



Fair value: Criticisms and challenges from Critical Accounting Perspective

Roza Salehabadi* 

*Corresponding Author, Ph.D., Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: roza.salehabadi@ut.ac.ir

Kaveh Mehrani 

Associate Prof., Department of Accounting, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: kmehrani@ut.ac.ir

Abstract

Objective: In this research, the critiques of fair value have been studied and an interpretation of these achievements has been provided. Opinions about fair value fall into three categories. A group that strongly supports it. A group that strongly opposes it and a group that for some reason have concerns about it. Understanding the reasons for criticisms of fair value requires a better understanding of the concept of fair value, especially from a theoretical perspective and the evolution of this measurement system. Therefore, in a segment of this research, the historical, political and social contexts that have led to the formation of fair value in different parts of the world have been studied.

Methods: The method used is meta-synthesis which is one of the qualitative methods. In this regard, the steps of arranging research questions, systematically reviewing the literature, searching and selecting appropriate texts, extracting information, analyzing and combining qualitative findings, and presenting interpretations on existing interpretations have been performed.

Results: Review, identification, typology, classification and analysis of different areas of research in the field of fair value from a theoretical-critical perspective is presented. The research represents eight areas of special interest, including theories used in measurement systems, reasons for the formation of fair value, its relationship with standardization and its uses, the role of the theoretical framework of financial reporting in development of fair value, advantages of fair value, disadvantages of fair value, effect of Fair value on financial crises, auditing challenges of fair value and the effect of capitalist and communist financial systems on fair value.

Conclusion: In this study, critiques and challenges on fair value from a theoretical and critical perspective over the last two decades were identified. This research can be used as a roadmap for researchers in fair value studies. It shows the areas of interest in this regard and the sections that can be studied in the future.

Keywords: Fair value, Financial crisis, Fair value accounting, Meta synthesis.

Citation: Salehabadi, Roza & Mehrani, Kaveh (2022). Fair value: Criticisms and challenges from Critical Accounting Perspective. *Accounting and Auditing Review*, 29(2), 359-403. (in Persian)

Accounting and Auditing Review, 2022, Vol. 29, No.2, pp. 359-403

Published by University of Tehran, Faculty of Management

<https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2022.335790.1008634>

Article Type: Research Paper

© Authors

Received: December 19, 2021

Received in revised form: January 2, 2022

Accepted: January 8, 2022

Published online: July 23, 2022



ارزش منصفانه: نقدها و چالش‌ها با رویکرد حسابداری انتقادی

رزا صالح آبادی

* نویسنده مسئول، دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: roza.salehabadi@ut.ac.ir

کاوه مهرانی

دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: kmehrani@ut.ac.ir

چکیده

هدف: در این پژوهش به مطالعه انتقادهای وارد بر ارزش منصفانه و ارائه تفسیری بر این دستاوردها پرداخته شده است. در خصوص ارزش منصفانه، نظرها به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ای که به شدت طرفدار آن است، گروهی که به شدت مخالف آن است و گروهی که به دلایلی نگرانی‌هایی از آن دارند. شناخت دلایل انتقادهای وارد شده بر ارزش منصفانه، به درک بهتری از مفهوم ارزش منصفانه، به خصوص از دیدگاه نظری و سیر تطور این نظام اندازه‌گیری نیاز دارد. بنابراین در بخشی از این پژوهش، به مطالعه بسترهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی‌ای پرداخته شده که در نقاط مختلف جهان به شکل‌گیری ارزش منصفانه انجامیده است.

روش: پژوهش حاضر کیفی و با روش فراترکیب انجام شده است. در این راستا مراحل، تنظیم سؤال‌های پژوهش، مرور نظام‌مند ادبیات، جست‌وجو و انتخاب متن‌های مناسب، استخراج اطلاعات از متن‌ها، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی و ارائه تفسیری از تفسیرهای موجود طی شده است.

یافته‌ها: در این پژوهش، مرور، شناسایی، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی و تحلیلی از حوزه‌های مختلف تحقیقات انجام شده در زمینه ارزش منصفانه، از بُعد نظری - انتقادی ارائه شده است که نمایانگر هشت حوزه مورد توجه ویژه شامل نظریه‌های استفاده شده در نظام‌های اندازه‌گیری، دلایل شکل‌گیری ارزش منصفانه، رابطه آن با استانداردهای گذاری و موارد استفاده از آن، نقش چارچوب نظری گزارشگری مالی در توسعه ارزش منصفانه، مزایای ارزش منصفانه، معایب ارزش منصفانه، اثر ارزش منصفانه بر بحران‌های مالی، نقدها و چالش‌های حسابرسی ارزش منصفانه و اثر نظام‌های مالی سرمایه‌داری و کمونیستی بر ارزش منصفانه است.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش، نقدها و چالش‌های وارد بر ارزش منصفانه طی دو دهه اخیر، از دو دیدگاه نظری و انتقادی شناسایی شد. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان نقشه راه برای محققان در حوزه ارزش منصفانه به کار گرفته شود که حوزه‌های مورد توجه در این خصوص و بخش‌های قابل مطالعه در آینده را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ارزش منصفانه، بحران اقتصادی، حسابداری ارزش منصفانه، فراترکیب.

استناد: صالح آبادی، رزا و مهرانی، کاوه (۱۴۰۱). ارزش منصفانه: نقدها و چالش‌ها با رویکرد حسابداری انتقادی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۹(۲)، ۳۵۹-۴۰۳.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2022.335790.1008634>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۱، دوره ۲۹، شماره ۲، صص. ۳۵۹-۴۰۳

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

مقدمه

پس از شروع بحران، تردیدهایی دربارهٔ اثرهای حسابداری ارزش منصفانه مطرح شده است. حامیان، استدلال می‌کنند که مقصر دانستن ارزش منصفانه، «تیراندازی به قاصد» یا «رفتن به پزشک برای تشخیص و سپس سرزنش کردن او برای تشخیص بیماری» است. سرمایه‌گذاران خواهان شفافیت بیشترند و مخالفان معتقدند که استفاده از ارزش منصفانه، بی‌ثباتی بازار را با اعمال ارزیابی ناشی از فروش در شرایط بازار غیرعادی تشدید کرده است (رابرتز و جونز^۱، ۲۰۰۹). مطابق موارد فوق، سؤال اینجاست که آیا ارزش منصفانه به‌عنوان عامل تأثیرگذار بر بحران‌های اقتصادی نقش ایفا می‌کند یا تنها پیام‌آور بحران است؟

مکاتب اقتصادی حمایت‌کننده و مخالف ارزش منصفانه موجب شکل‌گیری آن و نظام‌های اندازه‌گیری جایگزین شده است. ابتدا به بحث در خصوص حامیان می‌پردازیم. پس از سال ۱۹۵۰ با گسترش بازارها، سرمایه‌گذاران متمول و صندوق‌های بازنشستگی با عنایت به تئوری‌پردازان مکتب شیکاگو و آثار بیور، ارزش منصفانه را به‌عنوان ابزاری برای دریافت هر چه سریع‌تر سود سهام مورد توجه قرار دادند (ریچارد^۲، ۲۰۱۵). انتشار کتاب *نقلاب در حسابداری بیور* در سال ۱۹۸۹، به ایجاد دنیایی منجر شد که مارکس آن را «موهوم» می‌خواند. مطابق آنچه پاور^۳ (۲۰۱۰) عنوان کرده است، رویکرد ترازنامه‌ای به‌جای ارزش باقی‌مانده روی کار آمد که در آن اجزای ترازنامه به ارزش منصفانه گزارش می‌شود.

حسابداری ارزش منصفانه در سرمایه‌داری انگلوساکسون شکل گرفت که در آن رابطه کارگر و مدیر بر مبنای استخدام‌های کوتاه‌مدت است. بازارهای سرمایه دیدگاهی کوتاه‌مدت دارند و ارزش‌های خروجی کارایی را بر مبنای ارقام پولی می‌بینند نه مفاهیم صنعتی. بنابراین استراتژی‌های بلندمدت صنعتی (شامل نرخ انباشت سرمایه در بلندمدت) در این نظام تقویت نشده و رشد اقتصادی به خطر می‌افتد. از طرفی، سازمان‌ها فرصت کمتری برای سرمایه‌گذاری مجدد سود کسب‌شده دارند؛ چون باید آن را بین سرمایه‌گذاران تقسیم نمایند. این رویکرد کوتاه‌مدت تضاد منافع بین مدیران، کارکنان و سایر ذی‌نفعان را بیشتر کرده و باعث تبعیض اجتماعی برای بخش مهمی از جامعه می‌شود. دیدگاه مارکسیستی معتقد است که ابزارهای مشتقه اگر خلق ارزش نکنند، باید هزینه شود. رویکرد ارزش منصفانه تحت تأثیر مکتب شیکاگو بود که از آن برای دریافت هر چه سریع‌تر سود استفاده شد.

تئوری اقتصادی در فرایند جهانی‌شدن و مالی‌گرایی بسیار نقش داشته است. حداکثرسازی ارزش برای سرمایه‌گذاران به موضوع اصلی برای شرکت تبدیل شده است. تئوری نمایندگی نیز بابت مشروع‌سازی برای پرداخت پاداش به مدیران به‌شکل سهام و اختیار خرید سهام برای هم‌سوسازی اهداف مدیریت و مالکیت نیازمند اطلاعات ارزش برای سرمایه‌گذاران است. هر دو این تئوری‌ها و همچنین تئوری ارزشیابی مستقیم، تئوری ارزشیابی ورودی‌ها به سرمایه و تئوری قراردادهای از مفهوم ارزش منصفانه حمایت می‌کنند.

1. Roberts & Jones
2. Richard
3. Power

حال به مکتب اقتصادی جبهه مقابل، یعنی مخالفان ارزش منصفانه پرداخته می‌شود. طبقه‌بندی بریر (۲۰۰۵) از انواع حسابداری سرمایه‌گذاری برگرفته از کارهای مارکس است. او عنوان می‌دارد، برای اولین بار مارکس بود که مفاهیم فتودالیسم و سرمایه‌داری را به ادبیات اضافه کرد.

از دیدگاه مارکسیستی، ابزارهای مشتقه اگر از دید پیروان این دیدگاه خلق ارزش واقعی نکند، نباید به‌عنوان دارایی به ارزش منصفانه یا حتی بهای تاریخی ثبت شود و تنها باید آنها را هزینه کرد. پس هرچند ابزارهای مشتقه خود باعث قوت گرفتن حسابداری ارزش منصفانه شدند، دیدگاه مارکسیستی، مستقیم شیوه ارزیابی آنها را نشانه نمی‌گیرد، بلکه ماهیت ترازنامه‌ای آنها را هدف قرار می‌دهد.

حسابداری ارزش منصفانه، به وجود بازارهای آزاد با حداقل مداخله وابسته است. اصلاح ساختار سهام دولت چین (به‌عنوان دولتی با انگیزه‌های کمونیستی)، در سال ۲۰۰۵ مؤید این مطلب است که وجود بازار آزاد در این کشور توهمی بیش نبوده است. ارزش منصفانه در چین به پایدارسازی شرایط نئولیبرالیسم منجر شده است. این امر به نابرابری در توزیع ثروت در چین انجامیده است. این کشور مالکیت زیرساخت اجتماعی را از اکثریت قریب به اتفاق مردم چین به دست تعداد کمی از سرمایه‌گذاران مطلع داده است. در نتیجه شرط بازار آزاد که وجود طرفین آگاه و مایل است در معاملات رعایت نمی‌شود.

هر یک از گروه‌های موافق و مخالف ارزش منصفانه استدلال‌های خود را بر پایه برخی مبانی نظری بنا نهادند. علاوه بر این، نهادهای استانداردگذار نیز در راستای ایده‌های سیاسی نظام‌های حاکم دست به وضع استانداردها در جهت منافع سیاسی زده‌اند. نظرها در خصوص ارزش منصفانه به سه دسته تقسیم می‌شود: دسته‌ای که به‌شدت طرف‌دار آن هستند؛ گروهی که به‌شدت با آن مخالفند و گروهی که به دلایلی نگرانی‌هایی از آن دارند (ریچارد، ۲۰۰۴).

با توجه به مطالب فوق در این پژوهش تلاش شده است که مکاتب، نظام‌های سیاسی و مبانی نظری شکل‌دهنده به دو جناح موافق و مخالف ارزش منصفانه شناسایی شود و در ادامه با رویکردی انتقادی، مزایا، انتقادات و چالش‌های ارزش منصفانه از دیدگاه گروه‌های مختلف ذی‌نفع تعیین شود. برای نیل به این هدف ۴ سؤال اول تحقیق برای شناسایی مکاتب و نظام‌های سیاسی مرتبط به سیستم‌های ارزش‌گذاری طرح شده و ۴ سؤال بعدی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به دیدگاه‌های مخالف و موافق ارزش منصفانه طراحی شده است. شایان ذکر است که نتیجه ارتباط مسئله تحقیق به دستاوردهای این پژوهش به‌صورت جمع‌بندی تصویری ارائه شده است.

مبانی نظری

تعاریف ارزش منصفانه در طول زمان دستخوش تغییراتی شده و تکامل یافته است. در سال ۱۹۶۴، انجمن حسابداری آمریکا^۱ چهار ویژگی مربوط بودن، اثبات‌پذیری، عاری از سویه بودن و سنجش‌پذیری را معرفی کرد. از میان این چهار ویژگی، مربوط بودن به دلیل رابطه آن با مفید بودن در تصمیم‌گیری حائز اهمیت بیشتر شناخته شد.

1. American Accounting Association (AAA)

در همین راستا، رهنمودهای تئوری حسابداری با تأکید بر مربوطبودن و امکان استفاده از رویه‌های عمل مختلف، فرصتی را برای به‌کارگیری ارزش منصفانه ایجاد کرد. گزارش کمیته ترویلاد^۱ (۱۹۷۳)، در راستای رهنمودهای تئوری حسابداری با تأکید بر مربوطبودن، به‌طور خاص رویه‌های عمل مختلفی، به‌جز بهای تاریخی را برای ارزیابی دارایی‌ها مجاز شمرد.

بارلو و حداد^۲ (۲۰۰۳) تعاریف متفاوت ارزش منصفانه در استانداردهای مختلف را بدین شکل خلاصه کردند: مطابق انجمن استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۷۶)، ارزش منصفانه مبلغی است که در آن فروش اموال در شرایط منصفانه (بده‌بستان) بین طرفین غیروابسته انجام می‌شود. مطابق انجمن استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۸۲)، ارزش منصفانه ارزش پولی یا غیرپولی معامله بین افراد آگاه و مایل (قیمت فروش) است که در موقعیت اجبار به فروش بابت ورشکستگی نباشد. تعریف انجمن استانداردهای حسابداری مالی (۱۹۸۵) از ارزش منصفانه، کمابیش همان تعریف قبلی است. انجمن استانداردهای حسابداری مالی^۳ در سال ۱۹۸۴، پنج رویه ارزیابی معرفی کرد: بهای تاریخی، ارزش جاری، ارزش بازار، خالص ارزش بازیافتنی و ارزش منصفانه.

در استاندارد ۱۰۷ حسابداری مالی^۴ (۱۹۹۱) آمده است که ارزش منصفانه، ارزش بازار یا بهترین برآورد مدیریت از ارزش در شرایط نبودن ارزش بازار در دسترس است که از طریق جریان‌های نقدی آتی تنزیل شده به‌دست می‌آید. گفتنی است که در نرخ تنزیل عوامل ریسک، مدل‌های قیمت‌گذاری آپشن و مدل‌های قیمت‌گذاری ماتریکسی لحاظ شده است. در این نسخه، تعریف ارزش منصفانه مترادف عبارت ارزش بازار دانسته شده است. بارت و لنزمن^۵ (۱۹۹۵) اعلام کردند که این تعریف کامل نیست؛ چون ارزش به‌خوبی تعریف نشده است. از نظر آنها سه سنجه ارزش منصفانه وجود دارد:

- ارزش ورودی: قیمت خرید یا در شرایط تغییر قیمت‌ها ارزش جایگزین دارایی است.
- ارزش خروجی: مبلغی است که در آن دارایی قابل فروش باشد.
- ارزش اقتصادی: ارزش انباشته‌ای که دارایی برای سازمان ایجاد می‌کند.

آنها معتقدند که سنجه مناسب، ارزش‌های خروجی است؛ چون انجمن استانداردهای حسابداری مالی نگران انعکاس صحیح دارایی‌های ترازنامه است، نه دارایی‌هایی که قرار است در آینده خریداری شود. پس باید از منظر فروشنده تعریف انجام شود. ارزش اقتصادی بیانگر توانمندی‌های مدیر است که این توانمندی‌ها از تفریق ارزش‌های خروجی از ارزش‌های اقتصادی به دست می‌آید. این ارزش بسیار ذهنی و محاسبه آن دشوار است.

جورجیو و جیک^۶ (۲۰۱۱)، تاریخ بررسی رویه‌های مناسب برای صورت‌های مالی و تلاش‌های انجام شده به‌منظور مشروعیت‌بخشیدن به یکی از این رویه‌ها در آمریکا را به سه دوره تقسیم می‌کنند. دوره اول بین سال‌های ۱۸۵۰ و ۱۹۷۰؛ دوره دوم بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ و آخرین دوره از ۱۹۹۰ تاکنون. در ادامه هر یک از این دوره‌ها بررسی می‌شود.

1. Trueblood Committee
 2. Barlev & Haddad
 3. Financial Accounting Standards Board (FASB)
 4. Statement of Financial Accounting Standards (FAS)
 5. Barth & Landsman
 6. Georgiou & Jack

مگنان^۱ (۲۰۰۹) در خصوص برتری بهای تاریخی به ارزش منصفانه در دوره اول معتقد است که حسابداری ارزش منصفانه، نه مفهوم جدیدی است و نه روش جدید. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم، برای شرکت‌ها رایج بود که دارایی‌های سرمایه‌ای خود را با استفاده از ارزش‌های منصفانه منعکس کنند. بسیاری از اقتصاددانان اولیه نیز بر این باور بودند که ارزش خروجی، یا مبلغ فروش یک دارایی در بازار، تنها اساس مناسب برای تهیه صورت‌های مالی است. با این حال، در دهه ۱۹۳۰، شیوه‌های ارزش‌گذاری سوء توسط برخی مدیران به تصویب استانداردهای حسابداری رسمی‌تر توسط حرفه حسابداری منجر شد. در نتیجه، بهای تاریخی به‌عنوان نوعی رویه عمل غالب برای گزارش دارایی‌ها و بدهی‌ها مطرح شد. با وجود این، حسابداری ارزش منصفانه، مفهومی جذاب برای بسیاری از نظریه‌پردازان حسابداری بود که در طول سال‌ها به آن رسمیت بخشیدند.

استفاده از بهای تمام‌شده تاریخی، به‌عنوان مبنای گزارشگری مالی، فقط در سال‌های پایانی دهه ۱۹۳۰ در آمریکا و در پاسخ مستقیم به بحران‌های مالی و رکود مربوط به آن دوره مطرح شد (زف^۲، ۲۰۰۷). استفاده از اندازه‌گیری‌های مختلف بر مبنای ارزش‌های بازار، برای بیش از یک قرن قبول شده بود تا زمانی که مرحله جدیدی آغاز شد که در آن بهای تمام شده تاریخی و تئوری‌های ارزش‌گذاری در رویه‌های حسابداری نقش مرکزی‌تری پیدا کرد (جورجیو و جیک، ۲۰۱۱).

بال و هالدین^۳ (۲۰۱۸)، عنوان داشتند که در آمریکا، اولین موج بحث ارزش منصفانه در ۱۹۳۸ به پایان رسید. اولین مرحله رکود بزرگ، بین سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳، شکست تعداد زیادی از بانک‌های آمریکا را در پی داشت. بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷، اقتصاد ایالات متحده تا حدودی بهبود یافت؛ اما تا سال ۱۹۳۸، ترس از رکود بزرگ وجود داشت. به دستور بانک مرکزی، فرانکلین دی روزولت، کنوانسیون متشکل از خزانه آمریکا، هیئت ذخیره فدرال و شرکت بیمه پس‌انداز فدرال تشکیل داد. هدف آن، مشخص کردن موضوعاتی بود که باید در استانداردهای محافظه‌کارانه برای حفاظت از دارایی‌ها انجام شود. نتیجه کار این کنوانسیون، توافق یکنواخت بر سر روندهای نظارتی بانکی بود. مقرر شد که سرمایه‌گذاری بانک‌ها، به‌جای ارزش بازار، به ارزش دفتری اندازه‌گیری شود و دارایی‌های زیر سرمایه‌گذاری بانک‌ها، به‌طور متوسط قیمت‌های بازار را ارزش‌گذاری کنند. در میان بحران و در جهت ثبات اقتصاد کلان، مرحله اول ارزش منصفانه به پایان رسیده بود.

این الگو نیم قرن بعد، یعنی دومین موج از ارزش منصفانه تکرار شد. حسابداری بهای تاریخی در ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۴۰ تا اوایل دهه ۱۹۷۰ مسلط باقی ماند؛ اما از اواسط دهه ۱۹۷۰ استاندارد حسابداری، ارزیابی ارزش منصفانه آغاز شد که ابتدا در زمینه سرمایه‌گذاری بانک‌ها در سهام و بعد اوراق بهادار عرضه شده در بازار بود. تا اواخر دهه ۱۹۸۰ شناخت گسترده‌ای به‌وجود آمد مبنی بر اینکه رویکردهای حسابداری سنتی، ارزش واقعی اوراق بهادار و مشتقات را پوشانده است.

جورجیو و جیک (۲۰۱۱)، در خصوص دوره دوم عنوان داشتند که گزارش کمیته ترویلاد، منتشر شده در سال ۱۹۷۳، رویکرد سودمندی در تصمیم رهنمودهای تئوری حسابداری را پذیرفت و بر جریان‌های نقدی آتی تمرکز کرد. کمیته به

1. Magnan
2. Zeff
3. Ball & Haldane

این نتیجه رسید که «اهداف گزارشگری مالی را نمی‌توان با استفاده انحصاری از یک مبنای ارزش‌گذاری منفرد انجام داد». کمیته تروبلاد حتی مجموعه وسیع‌تری از ارزشیابی را نسبت به کمیته حسابداری آمریکا در نظر گرفت: بهای تاریخی، ارزش‌های خروجی، بهای جایگزینی فعلی و جریان‌های نقدی تنزیل شده. افزون بر این، پیشنهاد کرد که «می‌توان ترکیب خاصی از روش‌های ارزشیابی را برای استفاده اجرا کرد».

تجربه آمریکا در زمان بحران وام در اواسط دهه ۱۹۸۰ انگیزه بیشتری را فراهم کرد. در سال ۱۹۸۹، کنگره، اصلاح مؤسسه‌ها مالی و اجرای قانون را تصویب کرد. این کار استانداردهای ارزش‌گذاری را در بین بانک‌ها محکم‌تر کرد و آن‌ها را به ارزش‌های منصفانه نزدیک‌تر کرد. در همان سال، کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی پروژه‌ای را برای ارزیابی سنجش و افشای ابزارهای مالی آغاز کرد. آن‌ها نیز متحمل ضربه سختی شدند (بال و هالدین، ۲۰۱۸).

در دوره سوم، از سال ۱۹۹۲ الزام در میان شرکت‌های آمریکایی برای افشای ارزش منصفانه همه ابزارهای مالی در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی ایجاد شد. بحران بانکی این تکامل را متوقف کرد. با افزایش فشار بر روی ترازنامه بانک‌ها، رشد ضعیف وام‌دهی نگرانی‌هایی را به وجود آورده است که بازپرداخت این وام‌ها ممکن است به تعویق افتد. بحث در سطح بین‌المللی درباره عدم استفاده از ارزش منصفانه برای توقف این مسیر رو به پایین آغاز شد. یک بار دیگر، مدیران بانک مرکزی، سیاست‌مداران، قانون‌گذاران و کشورها در انتقاد از ارزش منصفانه دست به کار شدند و این به ترس از این منجر شد که ارزش منصفانه برای بار سوم وارد مرحله سقوط شود.

اوکاموتو^۱ (۲۰۱۴) در خصوص وضعیت کنونی ارزش منصفانه معتقد است که از ۱۹۹۰ تاکنون استانداردها به شکل روز افزون از بهای تاریخی دور و به سمت ارزش منصفانه رفته‌اند. تحقیقات انجام شده قبل از بحران‌های مالی، ارزش منصفانه را برای اوراق قابل معامله در بازارهای دارای نقدینگی بالا مربوط می‌دانستند. در بازار کارا قیمت حاوی همه اطلاعات است بنابراین ارزش در قیمت نمایان است.

در حال حاضر استانداردها رویکردی دوگانه دارند و هم بهای تاریخی و هم ارزش منصفانه را به رسمیت می‌شناسد. هیچ‌یک تاکنون بر دیگری غالب نشده است؛ اما در دنیای کنونی که تحت تسلط مالی است دارایی‌های نامشهود و ابزارهای مالی بسیار مهم شده است و بنابراین ارزش منصفانه قدرت گرفته است.

از لحاظ تاریخی، اساس ارزش منصفانه (حسابداری) در انگلیس پشتیبانی زیادی دارد؛ اما اندازه و پیچیدگی تجارت و ارزیابی‌های سالانه به ترک آن منجر شده است. پذیرش بهای تاریخی، به‌عنوان اساس مفیدتر برای اهداف حسابداری، به‌جای زمینه‌های نظری بر جنبه‌های عملی مبتنی است.

در سال ۱۹۵۲، مؤسسه حسابداران خبره در انگلستان و ولز^۲ اعلام کرد که «بهای تاریخی باید مبنای آماده‌سازی حساب‌های سالانه باشد» که نشان می‌دهد با وجود آزادی مقررات و شیوه‌های قرن نوزدهم، تمام حساب‌ها بر پایه بهای تاریخی آماده می‌شدند.

1. Okamoto

2. The Institute of Chartered Accountants in England and Wales (ICAEW)

در انگلستان در سال ۱۹۷۴ وزیر امور بازرگانی و صنعت، کمیته سندیلندرز را مأمور کرد تا بررسی کند که آیا حساب‌های شرکت باید اجازه تغییر قیمت را بدهند. بعد از بحث داغ ده‌ساله که در سازمان‌های حرفه‌ای و دولت اتفاق افتاد، حسابداری ارزش فعلی معرفی شد. با این حال، پس از موفقیت اولیه، در سال ۱۹۸۵ غیرالزامی و در نهایت در سال ۱۹۸۸ منحل شد. دلایل این موضوع کاهش نرخ تورم، عدم مشوق‌های اقتصادی، عوامل محیطی دیگر و نیز دشواری اعمال استاندارد و درک نتایج آن بود.

مراحل شکل‌گیری نظام‌های اندازه‌گیری در فرانسه از نظر ریچارد (۲۰۰۴) به سه مرحله دسته‌بندی می‌شود: اول، مرحله ایستا در قرن ۱۹ است که در آن ارزش بازار رویه غالب در اندازه‌گیری ترازنامه بود؛ دوم، مرحله پویا در قرن ۲۰ است که بر مبنای بهای تمام‌شده تاریخی بوده و فرض تداوم فعالیت، اجازه تهاثر دارایی‌ها به شکل سیستماتیک و پرداخت‌های متناوب سود سهام را می‌داد؛ سوم، مرحله آینده‌نگر است که هم‌زمان با استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری از ۲۰۰۵ ایجاد شد و مخلوطی از ارزش منصفانه و ارزش اقتصادی است. در اینجا ارزش شرکت بر مبنای توانایی برای ایجاد جریان‌های نقدی آتی اندازه‌گیری می‌شود.

مرحله ایستا از فلسفه اولویت‌دادن به ارزش‌های بازار حمایت می‌کند. این مرحله برگرفته از «تئوری ایستا» است^۱ که بیان می‌کند هر شرکت نه‌تنها خاتمه فعالیت خواهد داد؛ بلکه بسیار هم در معرض عدم تداوم فعالیت است. با این توجیه که به آن «قاعده میرایی»^۲ هم می‌گویند، توقف فعالیت می‌تواند لزوم توجه به ارزش‌های منصفانه را توضیح دهد. قانون تجارت فرانسه در قرن ۱۹ طرفدار دفاع از حقوق وام‌دهندگان در شرایط ورشکستگی بود. در این قانون تجارت از کسب‌وکارها خواسته شده بود موجودی دارایی‌ها و بدهی‌های خود را به ارزش منصفانه نگهداری کنند و در پی آن، در سال ۱۸۵۷ اولین قانون تجارت آلمان نیز ارزش منصفانه را به‌عنوان مبنای ارزیابی دارایی‌ها معرفی کرد. با توجه به این قاعده، اکثر دارایی‌های نامشهود، به‌دلیل نداشتن بازار فعال باید هزینه می‌شد. این موضوع در خصوص سرقفلی تحصیل هم صدق می‌کرد. دارایی‌های ثابت با این روش بهتر ارزیابی می‌شدند، مگر اینکه بازار فعالی برای آنها نباشد. تئوری ایستا اجازه شناسایی هرگونه سود و زیان ناشی از ارزش منصفانه را می‌دهد. در قرن ۱۹ این تئوری به شکل تئوری ایستای محافظه‌کارانه تغییر یافت که اجازه شناسایی سودهای بالقوه را برای تقسیم نمی‌داد.

مرحله پویا با لایبگری شرکت‌های بزرگ مثل راه‌آهن در سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۵۰ شروع شد. آنها حتی این موضوع را به قانون تبدیل کردند که این صنعت خاص نیازمند مستهلک کردن دارایی‌های خود نباشد؛ اما این تغییرات در آن زمان فقط مختص یک صنعت بود. بنا بر این قاعده، دارایی‌های ثابت و دارایی‌هایی که برای فروش گذاشته نشده نباید تجدید ارزیابی شود؛ ولی باید به‌صورت سیستماتیک مستهلک شود. استانداردها به سمت بهای تاریخی رفت، فرض تداوم فعالیت مطرح شد و رویکرد غالب این طور تغییر کرد که ارزش دارایی‌ها ارزش استفاده از آنهاست نه بهای آنها در زمان نقدشوندگی. این حرکت با قانون مالیات‌های سال ۱۹۱۷ فرانسه تقویت شد و در این قانون استهلاک به‌شیوه خط مستقیم، به‌عنوان هزینه قابل قبول شناخته شد، برعکس هزینه کاهش ارزش که تنها با شرایط خاصی مورد قبول مالیاتی بوده و

1. Static Theory

2. Principle of Death

اکثراً حائز آن شرایط نمی‌شد. به هزینه‌های تأسیس اجازه داده شد که سرمایه‌ای شود؛ اما حداکثر ظرف ۵ سال مستهلک شود. همچنین مقرر گردید سرقفلی خریداری شده شناسایی و برای آن تست کاهش ارزش انجام شود. رویکرد آینده‌نگر اعتقاد داشت ارزش دارایی‌ها ارزش خاصی است که بر مبنای قضاوت مالک مشخص می‌شود نه بر مبنای ارزش بازار. رویکرد آینده‌نگر به ارزش دارایی‌ها بر مبنای تنزیل جریان‌های نقدی آتی اصلت می‌دهد و سود و زیان آن را در صورت سود و زیان منعکس می‌کند.

ریچارد (۲۰۰۵) در آلمان معتقد بود که برای بررسی مفهوم ارزش، به یک تئوری حسابداری نیاز داریم. سه الگوی حسابداری که از مینا متفاوتند وجود دارد. حسابداری پویا^۱ (بهای تمام شده)، حسابداری ایستا^۲ (ارزش بازار) و حسابداری اکچوئری^۳ (حسابداری بر مبنای جریان‌های نقدی آتی تنزیل شده). این مفاهیم از ابتدای قرن ۲۰ با تئوری‌های آلمانی معرفی شد.

شروع قرن بیست با سه دکترین همراه بود. در این قرن به سمت سیستم حسابداری ایستا رفتیم. دکترین اول، بیان می‌دارد که برای تعیین ارزش واقعی، به ارزش بازاری نیازمندیم که با قانون عرضه و تقاضا به دست می‌آید. دکترین دوم، برگرفته از تئوری نسبیت است که استفاده هم‌زمان از بهای تمام شده و ارزش بازار را رد می‌کند. دارایی‌های ثابت باید به بهای تمام شده نمایش داده شود. دکترین سوم، استفاده از ارزش فعلی تنزیل شده است که از سال ۱۹۰۵ مورد استفاده قرار گرفت. گفتنی است که نسخه پویا (بهای تمام شده) توسط صاحبان کسب‌وکار پذیرفته شده بود در حالی که نسخه ایستا پشتوانه قانونی داشت.

گنجاندن مفاهیم ارزش فعلی در استانداردها و هماهنگ‌سازی استانداردهای گزارش‌دهی بیش از ۱۰۰ کشور با هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، نشان‌دهنده سطح مشروعیت ارزش منصفانه است. بدون توجه به اندازه‌گیری، واضح است که اصول ارزش منصفانه تا حدی مشروعیت یافته است، هر چند که این مسئله ممکن است تنها نشان‌دهنده بخشی از تاریخ رویه‌های اندازه‌گیری حسابداری باشد (جورجیو و جیک، ۲۰۱۱).

پیشینه تجربی پژوهش

طی دو دهه اخیر، تحقیقات مختلفی از بعد نظری به بررسی ارزش منصفانه پرداختند که در بخش یافته‌های پژوهش، به نتایج آنها اشاره شده است. در بررسی تحقیقات ارزش منصفانه در ایران، این نکته آشکار می‌گردد که در ایران نیز همانند سایر نقاط دنیا تحقیقات اندکی از منظر تئوریک به بحث در خصوص ارزش منصفانه پرداختند و بسیاری از تحقیقات از بعد کاربردی ارزش منصفانه را بررسی کرده‌اند. با این حال در سال‌های اخیر چند تحقیق شاخص در خصوص ارزش منصفانه در ایران انجام شده که ضمن بررسی عوامل تعیین‌کننده و نظر خبرگان در خصوص ارزش منصفانه در نهایت به ارائه مدل اندازه‌گیری ارزش منصفانه در ایران انجامیده است. در ادامه برای نمونه برخی از این پژوهش‌ها به ترتیب سال انتشار ارائه می‌شود.

1. Dynamic Accounting
2. Static Accounting
3. Actuarial Accounting

حجازی و میهمی (۱۳۹۵)، پذیرش استاندارد حسابداری ارزش منصفانه و تأثیر آن بر سود حسابداری را از دیدگاه نمونه‌ای از تدوین‌کنندگان استاندارد و دانشگاهیان و انجمن حسابرسان داخلی و مدیران مالی شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس بررسی کردند. روش تحقیق به‌کار رفته کاربردی بود. براساس این پژوهش بین دیدگاه مدیران مالی با دیدگاه سایر نمونه‌ها تفاوت وجود دارد اما بین دیدگاه دانشگاهیان و حسابرسان داخلی تفاوتی وجود ندارد و بین دیدگاه تدوین‌کنندگان استاندارد و دانشگاهیان تفاوت وجود ندارد؛ اما بین دیدگاه حسابرسان داخلی و تدوین‌کنندگان استاندارد تفاوت وجود دارد.

کرمی و بیک بشرویه (۱۳۹۶)، با ۱۷ نفر از خبرگان حسابداری حوزه‌های مختلف مصاحبه به‌عمل آورده و با استفاده از روش تحقیق تئوری داده‌بنیاد، مدلی شامل شرایط علی، راهبردها، شرایط بستر، شرایط مداخله‌گر و پیامدها در خصوص پیاده‌سازی ارزش منصفانه با تأکید بر بخش اندازه‌گیری در ایران ارائه دادند.

گل محمدی مریم، رحمانی علی (۱۳۹۷)، با بررسی دیدگاه خبرگان حرفه در ایران نسبت به الگوی ارزش منصفانه این دیدگاه را مثبت ارزیابی کردند. آنها معتقداند که چالش‌های فنی شناسایی شده در خصوص اندازه‌گیری و افشای ارزش منصفانه موجب می‌شود که پذیرش الگوی ارزش منصفانه و به‌کارگیری گسترده آن، در عمل چالش‌انگیز شود. در خصوص الزامات افشایی که ممکن است در عمل رعایت نشوند و عوامل فنی زمینه‌ساز مقاومت، بین دو گروه اجرایی و گروه نظریه‌پردازان و استانداردهاگذاران اختلاف نظرهایی وجود دارد. در نهایت آنها نتیجه‌گیری کردند که استانداردهاگذاران و جوامع حرفه‌ای باید نسبت به چالش‌های فنی حسابداری مبتنی بر ارزش منصفانه آگاه باشند و بسترهای مناسب و الزامی را برای گزارشگری مالی ارزش منصفانه محور با کیفیت و کارا و اثربخش بودن استاندارد بین‌المللی ۳۱ در محیط گزارشگری مالی ایران فراهم کنند. داده‌های پژوهش با استفاده از روش‌های دلفی فازی و تحلیل سلسله‌مراتبی فازی تجزیه و تحلیل شدند.

سلیمانی امیری و محمودخانی (۱۳۹۸)، به بررسی دیدگاه حسابرسان ایران در خصوص حسابرسی برآوردهای ارزش منصفانه پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که حسابرسان معتقدند مهم‌ترین چالش حسابرسی در رابطه با اندازه‌گیری ارزش منصفانه، نبود بازار فعال برای اکثر دارایی‌ها و بدهی‌هاست. همچنین طبق یافته‌ها، چالش‌های حسابرسی اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌های مالی با دارایی‌ها و بدهی‌های غیرمالی تفاوت دارد. دشواری حسابرسی سطوح ۲ و ۳ ارزش منصفانه، نبود رهنمودهای آموزشی، بی‌صلاحیتی حسابرس و نبود کارشناسان با تجربه می‌تواند بر کیفیت حسابرسی ارزش منصفانه مؤثر باشد و همین مسئله لزوم توجه به دانش حسابرسی و بازنگری در استانداردهای حسابرسی را روشن می‌سازد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران پرداختند. روش تحقیق استفاده شده در این تحقیق مصاحبه با صاحب‌نظران تحلیل اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از تحلیل تم بود. مطابق با یافته‌های پژوهش، محیط اقتصادی، آموزش، ورودی‌های اندازه‌گیری، حسابرسی ارزش‌های منصفانه و مقاومت، چالش‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه شناخته شدند و صحت اطلاعات حسابداری، شفافیت و همسان‌سازی، فرصت‌های اندازه‌گیری، ارزش‌های منصفانه بودند.

برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، علاوه بر اینکه می‌بایست به محیط اقتصادی، فاکتورهای رفتاری و اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه توجه شود، آموزش حسابداران و حساب‌برسان نیز امری حیاتی به نظر می‌رسد. استفاده از فراترکیب در علوم اجتماعی در سال‌های اخیر متداول شده است. به‌طور خاص در حسابداری نیز از این روش تحقیق استفاده می‌شود. در بحث ارزش منصفانه در سال ۲۰۱۷ نیز، آزما^۱ تحقیقی با عنوان «فراترکیب اثرهای حسابداری ارزش منصفانه» انجام داده است. تفاوت کار انجام شده با تحقیق حاضر این است که در آن نکات ارزش منصفانه به‌طور خاص از دید عملیاتی بررسی شده است.

در ایران نیز فراترکیب در تحقیقات مختلفی در سال‌های اخیر هم در علوم اجتماعی و هم در حسابداری به‌کار رفته است. برای نمونه می‌توان به تحقیق سپاسی و همکاران (۱۳۹۹)، با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبانه و نادرست با استفاده از روش فراترکیب» و تحقیق محمدی و همکاران (۱۳۹۹)، با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در کارایی کمیته‌های حسابرسی با استفاده از روش فراترکیب (متاستز)» اشاره کرد.

روش‌شناسی پژوهش

در این بخش به بررسی روش مورد استفاده برای انجام پژوهش پرداخته خواهد شد. فراترکیب یک روش تحقیق کیفی است که ترکیبی تفسیری از یافته‌های کیفی ارائه می‌نماید. در نتیجه، نمونه مدنظر برای فراترکیب، از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آنها با سؤال‌های پژوهش تشکیل می‌شود. فراترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مدنظر و تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه و اصلی از مطالعات منتخب نیست، بلکه تحلیل یافته‌های این مطالعات است. به‌بیانی فراترکیب، ترکیب تفسیر تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعات منتخب است.

این تحقیق از نظر رویکرد، از نوع پژوهش کیفی است. سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)، برای تحقیقات فراترکیب روش هفت مرحله‌ای ارائه داده‌اند. در ادامه مراحل تحقیق به همراه روش‌های استفاده شده به‌ترتیب تشریح می‌گردد.

گام اول، تنظیم سؤال‌های پژوهش: در گام اول سؤال‌های پژوهش تنظیم شد. سؤال‌های پژوهش براساس پارامترهای موضوعی چه چیزی (چه اجزایی)، چه کسی (چه جامعه‌ای)، کی (چه زمانی) و چگونه (به چه روشی)، جست‌وجو و مشخص شدند. این پارامترها تعیین‌کننده معیارهای پذیرش و عدم پذیرش مطالعات می‌باشند.

بر اساس مراحل ذکر شده، پژوهش با تدوین سؤال‌ها آغاز و در ادامه، سایر مراحل به ترتیب اجرا شد. تدوین

سؤال‌های پژوهش براساس سؤال‌های کلی زیر صورت گرفت:

- چه چیزی: نخستین گام را در فراترکیب، تعیین «چه چیز» مطالعه است. در این پژوهش نقدها و چالش‌های ارزش منصفانه مورد بررسی قرار گرفته است که سؤال اصلی پژوهش را شکل می‌دهد.
- چه کسی: منظور از این پارامتر معرفی جامعه‌ای است که مطالعه می‌شود. در این پژوهش پایگاه‌های داده و مجله‌های داخل و خارج از کشور مدنظر قرار گرفته است.

- چه زمانی: چارچوب زمانی مقاله‌های بررسی شده را تعیین می‌کند. در این پژوهش بازه زمانی از سال ۲۰۰۰ تاکنون در نظر گرفته شده است.
- چگونه: منظور از این پارامتر، بررسی روش‌های گردآوری داده‌های تحقیق است. در این پژوهش از داده‌های ثانویه که آن را اسناد و مدارک گذشته نیز می‌نامند، استفاده شده است.

جدول ۱. معیارهای پذیرش و عدم پذیرش مقالات

شرح	معیار پذیرش	معیار عدم پذیرش
زبان پژوهش	فارسی و انگلیسی	سایر زبان‌ها
زمان اجرای پژوهش	از ۲۰۰۰ تاکنون	قبل از ۲۰۰۰
روش پژوهش	کیفی	کمی
جامعه مورد مطالعه	حسابداری محور	مطالب غیر حسابداری
نوع مطالعه مقاله‌ها	چاپ شده در مجله‌های معتبر	نظریه‌های شخصی و مقاله‌ها و گزارش‌های دارای اعتبار پایین

در نهایت با توجه به توضیحات فوق سؤال‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شد:

۱. نظریه‌های به‌کاررفته در نظام‌های اندازه‌گیری کدام نظریه‌ها هستند؟
۲. دلایل شکل‌گیری ارزش منصفانه چیست و با استانداردهای گذاری و موارد استفاده آن چه رابطه‌ای دارد؟
۳. نقش چارچوب نظری گزارشگری مالی در توسعه ارزش منصفانه چگونه است؟
۴. مزایای ارزش منصفانه چیست؟
۵. معایب ارزش منصفانه چیست؟
۶. اثر ارزش منصفانه بر بحران‌های مالی چگونه است؟
۷. نقدها و چالش‌های حسابرسی ارزش منصفانه چیست؟
۸. اثر نظام‌های مالی سرمایه‌داری و کمونیستی بر ارزش منصفانه چگونه است؟

گام دوم، مرور ادبیات به شکل سیستماتیک: در مرحله دوم ادبیات موجود براساس جامعه مطرح شده در تحقیق، به‌طور سیستماتیک بررسی و نمونه مدنظر مطالعه، استخراج شد. در این مرحله براساس سؤال‌های پژوهش، کلیدواژه‌هایی انتخاب گردید و برای جست‌وجو مورد استفاده قرار گرفت.

برای جست‌وجوی مقاله‌ها در پایگاه‌های اطلاعاتی، با توجه به سؤال‌های پژوهش، از واژگان و اصطلاحات کلیدی

متعددی استفاده شد؛ برای مثال، Fair Value Shortcomings؛ Fair Value Limitations؛ Fair Value؛ Fair Value Audit؛ Advantages و

گام سوم، جست‌وجو و انتخاب مطالعات: این مرحله می‌تواند حین جست‌وجوی مطالعات انجام گیرد و در آن محقق ضمن بررسی موضوعی و محتوایی مقالات، با توجه به سؤال تحقیق، مطالعات را پالایش و انتخاب می‌کند. در این مرحله ممکن است، مقاله‌های استخراجی، بر اساس عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها و متن چندین بار بازبینی شود و مجموعه داده‌های مطالعه بدین طریق شکل گیرد. با توجه به منابع متعدد موجود در پایگاه‌های مدنظر پژوهش، این کار به انتخاب و کاهش مطالعات کاربردی در پژوهش کمک می‌کند. در هر بازبینی، بخشی از مطالعات از فرایند فراترکیب خارج می‌گردد. کل مقالات بررسی شده ۱۷۵ مقاله بوده است که از این میان ۷۵ مقاله معیارهای پذیرش بالا را کسب کرده و در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

گام چهارم، استخراج اطلاعات متون: پس از جست‌وجو و انتخاب متون مرتبط با موضوع، اطلاعات مدنظر تحقیق از این متون استخراج شده است. در این مرحله، مطالعات انتخاب شده به‌دقت مورد بررسی قرار گرفت تا مفاهیم کلیدی و مضامین آنها مشخص شد. در این مرحله می‌بایست به جزئیات هر یک از مطالعات انتخاب شده توجه فراوان داشته باشیم (صالحی، ۱۳۹۶). اطلاعات مرتبط با موضوع تحقیق از هر مقاله استخراج و دسته‌بندی می‌گردد. در هنگام استخراج اطلاعات، با توجه به سؤالات تحقیق، مفاهیم و مقوله‌های مرتبط به دقت مشخص شد.

گام پنجم، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی: در این گام، از طریق اطلاعات استخراج شده از متون، یافته‌های کیفی تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی شد. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، مفاهیم یا تم‌هایی جست‌وجو شد که مرتبط با سؤال‌های تحقیق بودند و در بین مطالعات موجود در فراترکیب پدیدار شدند. زمانی که مفاهیم مشخص شد، با توجه به شباهت مفاهیم، آنها در دسته‌بندی موضوعی قرار گرفتند. طبقه‌بندی انجام‌شده به تفکیک مقالات به‌کار رفته به شرح زیر است:

گام ششم، کنترل کیفیت: در این تحقیق به‌منظور سنجش اعتبار نتایج حاصله، سه مورد از مقاله‌های انتخاب شده در اختیار یکی از دانشجویان دکتری حسابداری قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل ایشان به میزان ۸۳ درصد با تحقیق حاضر تطبیق دارد. بر این اساس می‌توان ادعا کرد این تحقیق از اعتبار مناسبی برخوردار است.

گام هفتم، ارائه یافته‌ها: در مرحله نهایی فراترکیب، یافته‌ها ارائه شده است؛ از این رو در این مرحله، محقق براساس طبقه‌بندی‌های شکل گرفته در مراحل قبل، یک چارچوب ایجاد می‌کند. این چارچوب که نتیجه نهایی فراترکیب است، تفسیری فراتر از هر یک از مطالعات اولیه از پدیده مدنظر ارائه می‌کند و در عین حال دربرگیرنده همه آنهاست؛ به‌گونه‌ای که اثر هر یک از مطالعات اولیه را می‌توان در این کل جست‌وجو کرد (صالحی، ۱۳۹۶).

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا در جدول ۲، به خلاصه‌ای از ۷۵ تحقیقی که در این پژوهش استفاده شده است، ارائه می‌شود، سپس به ۸ سؤال تحقیق پاسخ داده خواهد شد.

جدول ۲. مقاله‌های استفاده‌شده در پژوهش با توجه به پاسخ‌گویی به سؤال‌های تحقیق

اثر نظام‌های مالی سرمایه‌داری و کمونیستی بر ارزش منصفانه	تقدیم و چالش‌های حسابداری ارزش منصفانه	اثر ارزش منصفانه بر بحران‌های مالی	معایب ارزش منصفانه	مزایای ارزش منصفانه	نقش چارچوب نظری گزارشگری مالی در توسعه ارزش منصفانه	دلایل شکل‌گیری ارزش منصفانه، رابطه آن با استانداردهای گزارشگری و موارد استفاده آن	نظریه‌های مورد استفاده در نظام‌های اندازه‌گیری	نویسنده
				✓				بارت (۲۰۰۰)
			✓		✓		✓	هولتوسونا و واتس (۲۰۰۱)
			✓	✓	✓			بارلو و حداد (۲۰۰۳)
		✓						بکر و هایس (۲۰۰۴)
			✓	✓				ریچارد (۲۰۰۴)
			✓					مکارتی (۲۰۰۴)
						✓		ایشیواکا (۲۰۰۵)
✓								بریر (۲۰۰۵)
			✓					فلگم (۲۰۰۵)
							✓	کبیر (۲۰۰۵)
		✓						بنستن (۲۰۰۶)
	✓							مارتین و ریچ (۲۰۰۶)
				✓				بارت (۲۰۰۷)
						✓		بارلو و حداد (۲۰۰۷)
			✓	✓				پنمن (۲۰۰۷)
			✓					رایمن (۲۰۰۷)
			✓			✓	✓	هیتز (۲۰۰۷)
		✓		✓				آلن و کارلتی (۲۰۰۸)
			✓					بنستن (۲۰۰۸)
			✓	✓				پلانتین و همکاران (۲۰۰۸)
	✓		✓		✓		✓	رونان (۲۰۰۸)
							✓	ساندرز (۲۰۰۸)
					✓			میلورن (۲۰۰۸)
			✓	✓				ویلیام و جکسون (۲۰۰۸)
✓		✓						آرنولد (۲۰۰۹)

ادامه جدول ۲

اثر نظام‌های مالی سرمایه‌داری و کمونیستی بر ارزش منصفانه	نقدها و چالش‌های حسابداری ارزش منصفانه	اثر ارزش منصفانه بر بحران‌های مالی	معایب ارزش منصفانه	مزایای ارزش منصفانه	نقش چارچوب نظری گزارشگری مالی در توسعه ارزش منصفانه	دلایل شکل‌گیری ارزش منصفانه، رابطه آن با استانداردهای گزارشی و موارد استفاده آن	نظریه‌های مورد استفاده در نظام‌های اندازه‌گیری	نویسنده
✓								پالما (۲۰۰۹)
		✓						رابرتز و جونز (۲۰۰۹)
		✓	✓	✓				لاکس و لیو (۲۰۰۹)
✓			✓					مک سوئیزی (۲۰۰۹)
			✓		✓	✓		مگنان (۲۰۰۹)
	✓							هامفری و همکاران (۲۰۰۹)
			✓					هوپوود (۲۰۰۹)
			✓					هیلتون و اوبرین (۲۰۰۹)
✓				✓				پاور (۲۰۱۰)
		✓		✓				جگی (۲۰۱۰)
				✓				کوتاری و همکاران (۲۰۱۰)
			✓			✓	✓	هیتون و همکاران (۲۰۱۰)
			✓					واکر (۲۰۱۰)
							✓	اومبروس و جیک (۲۰۱۱)
	✓							اسمیت و همکاران (۲۰۱۲)
✓								ژانگ و همکاران (۲۰۱۲)
		✓					✓	لیائو و همکاران (۲۰۱۳)
	✓						✓	اوکاموتو (۲۰۱۴)
			✓			✓		پالنا (۲۰۱۴)
✓				✓		✓		دروچرا و گندرونب (۲۰۱۴)
			✓					ژانگ و اندرو (۲۰۱۴)
	✓	✓	✓		✓		✓	مارکاریان (۲۰۱۴)
			✓				✓	مولر (۲۰۱۴)
				✓				بت و رایان (۲۰۱۵)
✓		✓	✓	✓		✓	✓	پالنا (۲۰۱۵)

ادامه جدول ۲

نوین‌سند	نظریه‌های مورد استفاده در نظام‌های اندازه‌گیری	دلائل شکل‌گیری ارزش منصفانه، رابطه آن با استاندارد‌گذاری و موارد استفاده آن	نقش چارچوب نظری گزارشگری مالی در توسعه ارزش منصفانه	مؤایای ارزش منصفانه	معایب ارزش منصفانه	اثر ارزش منصفانه بر بحران‌های مالی	اثر ارزش منصفانه	حسابرسی ارزش منصفانه	نقدها و چالش‌های حسابرسی ارزش منصفانه	اثر نظام‌های مالی سرمایه‌داری و کمونیستی بر ارزش منصفانه
ریچارد (۲۰۱۵)										✓
کریستیا (۲۰۱۵)			✓	✓						
کوپر (۲۰۱۵)		✓							✓	
ماجر کاکوا و اسکودا (۲۰۱۵)				✓	✓					
مکدونال و شکسپیر (۲۰۱۵)					✓					
زانگ و اندرو (۲۰۱۶)										✓
مینکوچی و پائولوچی (۲۰۱۶)										✓
بال و هالدین (۲۰۱۸)				✓						
بلافوس و جیکوب (۲۰۱۸)					✓					
بوسکینک و وریست (۲۰۱۸)		✓		✓	✓					
پاتلا (۲۰۱۸)										✓
پیسنل (۲۰۱۸)				✓						
چن و یو (۲۰۱۸)										✓
عامل‌زاده و میکس (۲۰۱۸)					✓					
کمپ بل و همکاران (۲۰۱۸)				✓						
کولیتو (۲۰۱۸)		✓	✓	✓						
گیلیام و هافمن (۲۰۱۸)				✓	✓					
لنارد (۲۰۱۸)				✓	✓					
لیونه و مارکاریان (۲۰۱۸)										✓
مازولا و بوگلیو (۲۰۱۸)					✓					
مگنان و پاربوتتی (۲۰۱۸)										✓
هاسول و ایونز (۲۰۱۸)				✓	✓					✓
ویتینگتون (۲۰۱۸)										✓
مانتزاری و جورجیو (۲۰۱۹)					✓					
هایون (۲۰۱۸)					✓					✓

جدول ۳. در پاسخ به سؤال ۱، نظام‌های مالی سرمایه‌داری و کمونیستی و اثر آنها بر ارزش منصفانه

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
بریر (۲۰۰۵)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	تاریخچه حسابداری مارکسیستی انقلاب صنعتی بریتانیا: بررسی شواهد و پیشنهادهایی برای تحقیق	بریر سه فاز را معرفی می‌کند. فاز اول مربوط به قرن ۱۶ و نیمه اول قرن ۱۷ است که ذهنیت فئودالی غالب بود. فاز دوم که از اواسط قرن ۱۷ آغاز شد ذهنیت سرمایه‌داری است. فاز سوم که سرمایه‌داری نوین است از ابتدای قرن ۱۹ به وجود آمد. برای بریر فاز چهارم همان حسابداری «سرمایه‌داری» با یک سیستم کاملاً گسترش یافته سرمایه‌داری است.
آرنولد (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	بحران مالی جهانی: چالش تحقیقات حسابداری	ارزش منصفانه یک تکنولوژی در خدمت نئولیبرالیسم است که مشروعیت فنی را به بازارها ارائه می‌دهد. نقش حسابداری در اینجا عمیقاً ایدئولوژیک است و برای حفظ نخبگان خاص به کار می‌رود.
پالما (۲۰۰۹)	مجله اقتصاد کمبریج	انتقام بازار از رانت خوران. چرا گزارش‌های نئولیبرالی در پایان دوره نابهنگام بود؟	از آنجا که بازار از منابع اقتصادی به‌طور مؤثر استفاده می‌کند، زمانی که هیچ دخالتی در بازار وجود نداشته باشد، سازوکار تصحیح خودکار، آن را قادر می‌سازد که به‌طور طبیعی به سمت تعادل حرکت کند. چنین تعادلی قابل توجه است زیرا منعکس کننده قدرت جادویی بازار برای تبدیل سود شخصی به اوپتیما اجتماعی است
مک سوئیزی (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	نقش انکار شکست بازار دارایی‌های مالی بر بحران اقتصادی: تاملی بر تئوری‌ها و شیوه‌های حسابداری و مالی	حسابداری ارزش منصفانه برای دارایی‌های مالی، مانند اوراق قرضه، سوپ و تعهدات بدهی استفاده می‌شود. این‌ها اغلب در بازارهای فعال در دسترس هستند و در نتیجه در عمل مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این مورد توافق نظر وجود دارد که مدل‌های ارزیابی مالی مقادیر دارایی‌های مالی، از طریق تحلیل جریان نقدینگی تنزیل شده قابل ارزیابی است.
پاور (۲۰۱۰)	مطالعات حسابداری و کسب و کار	حسابداری ارزش منصفانه، اقتصاد مالی و تغییر قابلیت اطمینان	طی دوپست سال گذشته هدف کسب سود بوده است؛ اما نوع سودآوری به نوع نظام سرمایه‌داری بستگی داشته است. کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا همگی مراحل مشابهی را طی کردند. دریافت سود در طول زمان تسریع شده است.
ژانگ و همکاران (۲۰۱۲)	مجله حسابداری، حسابرسی و پاسخ‌گویی	حسابداری به عنوان ابزار نئولیبرالیسم؟ بررسی پذیرش حسابداری ارزش منصفانه در چین	مالی‌گرایی به معنای افزایش در جریان‌های مالی است. حسابداری به ابزاری برای نئولیبرالیسم تبدیل شده است، چرا که این دیدگاه را ارتقا داده که «ارزش منصفانه» ارزشی است که اغلب مربوط به تصمیم‌گیری نظری در یک بازار مالی آزاد است.
دروچرا و گوندرون (۲۰۱۴)	مطالعات حسابداری و کسب و کار	تعهد معرفتی و عدم وحدت شناختی نسبت به حسابداری ارزش منصفانه	حسابداری ارزش منصفانه از تلاش برای تولید اطلاعات «مرتبط» برای شرکت‌کنندگان در بازار ظهور پیدا کرد. به عبارت دیگر، باور قوی بر اثر «دست‌نامری»، در تنظیم استاندارد حسابداری، ارزش منصفانه را به این دلیل که اغلب به‌عنوان مهم‌ترین معیار برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی آزاد در نظر گرفته می‌شود باب کرد.
پالنا (۲۰۱۵)	مجله گزارش‌گری مالی و حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و سودمندی آن برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی	حسابداری ارزش منصفانه در سرمایه‌داری انگلوساکسون شکل گرفت که در آن رابطه کارگر و مدیر بر مبنای استخدام‌های کوتاه‌مدت است. این موضوع، نرخ انباشت سرمایه در بلندمدت را کم کرده و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

برای پاسخ به سؤال ۱ (نظام‌های مالی سرمایه‌داری و کمونیستی و اثر آنها بر ارزش منصفانه) و با توجه به تحقیقات خلاصه‌شده در این بخش، می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد: بررسی چهار برهه فئودالی، رنسانس تا انقلاب صنعتی، اواخر انقلاب صنعتی و از دهه ۱۹۶۰ تاکنون نشان می‌دهد، حسابداری در طول زمان از واقعیت به سمت ترجیحات سرمایه‌داری تغییر جهت داده است. حسابداری برای رسیدن به شرایط کنونی از مراحل ایستای خالص، ایستای محافظه‌کارانه، حسابداری پویا و حسابداری آینده‌نگر عبور کرده است.

مرحله اول، نظام سرمایه‌داری قرن ۱۶ و نیمه اول قرن ۱۷ بود که حسابداری در آن به نوعی پیش‌سرمایه‌داری بود و به مفهوم مازاد مصرف توجه می‌کرد. مرحله دوم، از اواسط قرن ۱۷ شروع شد که حسابداری سرمایه‌داری با نسبت مازاد مصرف فئودالی به سرمایه اول دوره معرفی شد. مرحله سوم، سرمایه‌داری نوین است که از ابتدای قرن ۱۹ به وجود آمد و در آن سود سرمایه‌داری با سرمایه مورد استفاده در تولید مقایسه شد. فاز چهارم، یک سیستم کاملاً گسترش‌یافته سرمایه‌داری است که در حسابداری امروزی بازده سرمایه را محاسبه می‌کند. از نظر مارکس انقلاب در حسابداری باعث ایجاد یک موجودیت موهوم شد. رویکرد ترازنامه‌ای به جای ارزش باقی‌مانده روی کار آمد که در آن اجزای صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه گزارش می‌شود. از دیدگاه مارکسیستی، ابزارهای مشتقه اگر از دید پیروان این دیدگاه خلق ارزش واقعی نکنند، نباید به‌عنوان دارایی به ارزش منصفانه یا حتی بهای تاریخی ثبت شود و تنها باید آنها را هزینه کرد.

حسابداری ارزش منصفانه، در سرمایه‌داری انگلوساکسون شکل گرفت که در آن رابطه کارگر و مدیر بر مبنای استخدام‌های کوتاه‌مدت است. نتولیرالیسم یعنی سازمان‌دهی مجدد روابط بین دولت‌ها و اقتصاد شامل مقررات‌زدایی بازارهای مالی، خصوصی‌سازی، ضعیف شدن سندیکاهای کارگری و حمایت‌های بازار کار، کاهش مالیات بر کالاها و بازارهای سرمایه و رها کردن اشتغال کامل به نرخ طبیعی اشتغال و مالی‌گرایی یعنی گسترش روز افزون بازارهای مالی از جمله رونق هرچه بیشتر ابزارهای مالی از نیروهای محرک حسابداری ارزش منصفانه بوده است.

با مرور شکل‌گیری حسابداری ارزش منصفانه در چین، در می‌یابیم تنها پس از مرگ مائو و در سال ۱۹۸۰ بود که حسابداری سبک کمونیستی شوروی جای خود را به حسابداری دوطرفه داد. موافقان ارزش منصفانه در چین به قدرت فنی ارزش منصفانه، اهمیت آن در پدیده جهانی شدن و توسعه بازارهای سوسیالیستی در چین اشاره دارند. ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ از دلایل تصویب استاندارد ارزش منصفانه در این کشور شد. با وجود این، نفوذ دولت چین در حاکمیت شرکتی شرکت‌های چینی مهم‌ترین عامل عدم گسترش ارزش منصفانه است. مضاف بر این، شرکت‌های پذیرفته‌شده چینی، انگیزه‌های ضعیفی برای ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا دارند. اصلاح ساختار سهام دولت چین در سال ۲۰۰۵ مؤید این مطلب است که وجود بازار آزاد در این کشور توهمی بیش نبوده است. ارزش منصفانه در چین به پایداری‌سازی شرایط نتولیرالیسم منجر شده و این امر به نابرابری در توزیع ثروت در چین انجامیده است. این کشور مالکیت زیرساخت اجتماعی را از اکثریت قریب به اتفاق مردم چین به دست تعداد کمی از سرمایه‌گذاران مطلع داده است. در نتیجه شرط بازار آزاد که وجود طرفین آگاه و مایل است در معاملات رعایت نمی‌شود. از دید منتقدان، فساد گسترده، افزایش ناآرامی اجتماعی، اشتیاق برای دمکراسی و گسترش ایده‌ها به نفع منافع شناخته شده دولت کمونیستی از دستاوردهای معرفی ارزش منصفانه بوده است.

جدول ۴. در پاسخ به سؤال ۲، دلایل شکل‌گیری ارزش منصفانه، رابطه آن با استانداردهای گزارشگری و موارد استفاده آن

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
ایشیواکا (۲۰۰۵)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	علم اجتماعی حسابداری مبتنی بر ارزش	ارزیابی دارایی‌های مالی به ارزش منصفانه از دهه ۱۹۸۰ با توجه به حمایت از رشد در ایالات متحده مورد توجه قرار گرفت.
بارلو و حداد (۲۰۰۷)	مجله حسابداری، حسابرسی و مالی	هماهنگی، مقایسه و حسابداری ارزش منصفانه	ارزش منصفانه به‌عنوان کاتالیزوری برای فرایند هماهنگ‌سازی عمل می‌کند و به سرعت و سهولت آن کمک می‌کند.
هیتز (۲۰۰۷)	بررسی‌های حسابداری اروپا	سودمندی در تصمیم‌گیری حسابداری ارزش منصفانه - دیدگاهی نظری	یک رویداد کلیدی برای جهت‌گیری به سمت ارزش منصفانه بحران سپرده‌ها و وام‌ها در ایالات متحده در طول دهه ۱۹۸۰ بود، که کاستی‌های سیستم گزارش‌گری موجود براساس الگوی بهای تاریخی / تطابق را پی‌ریزی کرد.
مگنان (۲۰۰۹)	چشم‌انداز حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و بحران مالی: پیام‌رسان یا مشارکت‌کننده؟	تصمیم‌گیری در مورد یک استاندارد حسابداری خاص مستلزم آن است که اولویت‌های اجتماعی مشخص شوند. پیاده‌سازی ارزش منصفانه صراحتاً برتری بازارهای مالی و سرمایه‌گذاران را در تعیین استانداردهای حسابداری تأیید می‌کند.
هیتون و همکاران (۲۰۱۰)	مجله اقتصاد پولی	آیا حسابداری بر مبنای بازار بی‌ثبات‌کننده است؟	افت بازار ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و بحران وام دهه ۱۹۸۰ در تغییرات قوانین انجام شده اثرگذار بوده‌اند. بحران وام دهه ۱۹۸۰ انگیزه‌ای برای دور شدن از حسابداری بهای تاریخی فراهم کرد.
پالنا (۲۰۱۴)	مجله گزارش‌گری مالی و حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و سودمندی آن برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی	هر دو نهاد استانداردگذار انجمن استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی عنوان کرده‌اند در آینده تنها ارزش منصفانه باقی می‌ماند.
دروچرا و گندرون (۲۰۱۴)	مطالعات حسابداری و کسب‌وکار	تعهد معرفتی و عدم وحدت شناختی نسبت به حسابداری ارزش منصفانه	حسابداری ارزش منصفانه مربوط به فشارهای جهانی شدن در حوزه حسابداری است. جو نئولیبرال، تغییر طرز فکر درون نهادهای تنظیم استاندارد و رؤیای امکان مقایسه با تسهیل سرمایه‌گذاری باعث افزایش استانداردهای ارزش منصفانه شد.
پالنا (۲۰۱۵)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	اقتصاد سیاسی گزارش‌گری ارزش منصفانه و حاکمیت تنظیم استانداردها	بانک‌ها و مدیران برای مدیریت ریسک به محاسبه ارزش منصفانه آشنا بودند. ارزش منصفانه شناسایی سود را تسریع می‌کند و برای پاداش مدیران بر مبنای سود تعریف شده مناسب است.
کوپر (۲۰۱۵)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	حسابداری ساختگی: سهم مارکسیسم در درک نقش‌های حسابداری	نهادهای استانداردگذار نقش نظارتی بر تأمین‌کنندگان مالی خود دارند. این موضوع استقلال آنها را تضعیف می‌کند. بنابراین آنها در پی ایده‌های نئولیبرال غالب رفتند که عنوان می‌دارد همه مقررات حسابداری باید در خدمت منافع کسب‌وکار باشد.

ادامه جدول ۴

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
بوسکینک و وریست (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه در مؤسسه‌های مالی	نوسان درآمد بانک‌ها در دوره بعد از معرفی ارزش منصفانه نسبت به دوره پیش از معرفی، به میزان شایان توجهی کمتر است. با این حال، عدم انطباق حسابداری عمدتاً برای بانک‌ها در کشورهایی که دارای کیفیت نظارتی قوی هستند، هدایت می‌شود.
کولیئو (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	عادلان بودن حسابداری ارزش منصفانه	تقلب در شرایط استفاده از ارزشیابی‌های پیچیده که نیازمند برآوردهای زیاد است بیشتر می‌شود.

در پاسخ به سؤال ۲ (دلایل شکل‌گیری ارزش منصفانه، رابطه آن با استانداردها و موارد استفاده آن) و مطابق تحقیقات خلاصه شده در این بخش، می‌توان بدین شرح جمع‌بندی کرد. از دلایل مهم حرکت به سمت صورت‌های مالی، قابل مقایسه در سطح بین‌المللی، جهانی شدن بازارهای مالی، ادغام اقتصاد بین‌المللی، رقابت جهانی، گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تقسیم خطر است. تعریف هماهنگ‌سازی حسابداری بین‌المللی در ارتباط نزدیک با مفهوم قابلیت مقایسه است. حسابداری ارزش منصفانه، ابزارهای مقایسه‌ای بهتری را ارائه می‌دهد و بازده کارکردی بازارهای بین‌المللی را بهبود می‌بخشد. بسیاری از ذی‌نفعان و استانداردها از این هماهنگ‌سازی حمایت می‌کنند هر چند منتقدان معتقدند که این کار غیرعملی و غیرضروری است.

خلاصه‌ای از سایر دلایل شکل‌گیری ارزش منصفانه در این بخش اشاره می‌شود. تغییر ترکیب دارایی‌های شرکت‌ها، به سمت بیشتر شدن دارایی‌های مالی بسیار با اهمیت است. ارزش این دارایی‌ها برخلاف دارایی‌های عملیاتی توسط کاربر نهایی آن با توجه به بازده و ریسک انتظارات بازار و روندهای اقتصاد کلان، تعیین می‌شود. از آنجا که این دارایی‌ها در معرض خطرهای بیشتری هستند، باید به ارزش فعلی جریان‌های نقدی آینده آنها با نرخ‌های تنزیل متناسب با این خطرها توجه شود. ارزش منصفانه با بالا بردن قابلیت مقایسه، به‌عنوان کاتالیزور در فرایند هماهنگ‌سازی عمل می‌کند. ارزش منصفانه می‌تواند در بازارهای مجازی الگوی پولی مشترک ایجاد کند. ویژگی مثبت این ارزش عدم وابستگی به مکان، زمان و متصدی اندازه‌گیری است و بنابراین نیازی به تعدیل ندارد. بحران‌های تاریخی در زمان‌هایی نیروی محرک و در مقاطعی هم به‌عنوان نیروی بازدارنده برای به‌کارگیری ارزش منصفانه بودند. در دهه ۱۹۸۰ بحران سپرده‌ها و وام‌ها در ایالات متحده، رویدادی کلیدی در جهت‌گیری به سمت ارزش منصفانه بود.

استانداردها از هیچ‌وقت به‌صراحت به نفع یک سیستم ارزش‌گذاری موضع نگرفتند؛ بنابراین سیستم‌های ارزشیابی حال حاضر مختلط است. موارد استفاده از ارزش منصفانه به‌طور خلاصه اصلاح بهای تاریخی، تعیین بها در معاملات ارزی و ترکیب‌های تجاری، حسابداری مزایای کارکنان، ارزشیابی ابزارهای مالی، حسابداری برنامه‌های بازنشستگی، تجدید ارزیابی دارایی‌ها، شناسایی درآمد و کاربرد برای برخی صنایع خاص مثل سرمایه‌گذاری در املاک، دارایی‌های زیستی و محصولات کشاورزی است.

جدول ۵. در پاسخ به سؤال ۳، نقش چارچوب نظری گزارش‌گری مالی در توسعه ارزش منصفانه

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
هولتوسنا و واتس (۲۰۰۱)	مجله حسابداری و اقتصاد	ارتباط ادبیات مربوط بودن ارزش برای تنظیم استانداردهای حسابداری مالی	تنها سهام‌داران استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نیستند. هدف همه استفاده‌کنندگان ارزشیابی نیست. مثلاً وام‌دهندگان به اطلاعات ورشکستگی یا عدم توانایی شرکت، در پرداخت تعهدها علاقه‌مندند.
بارلو و حداد (۲۰۰۳)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و مدیریت شرکت	ویژگی کیفی مربوط بودن مورد توجه قرار است. اکثر تحقیقات نشان دادند که ارزش منصفانه قابلیت مربوط بودن بیشتری دارد.
رونان (۲۰۰۸)	آباکس	حمایت از ارزش منصفانه یا منع ارزش منصفانه: دیدگاه گسترده‌تر	سه سطح ارزش منصفانه: سطح ۱ برای دارایی‌ها و بدهی‌هایی که برای آنها بازار فعال در دسترس وجود دارد، سطح ۲ ارزش‌های بازار فرضی با ورودی‌های قابل مشاهده برآورد می‌شود. سطح ۳ برآورد بر مبنای ورودی‌های غیرقابل مشاهده است.
میلیون (۲۰۰۸)	چشم انداز حسابداری	رابطه بین ارزش منصفانه، ارزش بازار و بازارهای کارا	در چارچوب مفهومی هیئت استانداردهای حسابداری مالی و انجمن استانداردهای حسابداری مالی عنوان شده که ارزش منصفانه باید مربوط بوده و قابلیت اتکا (بیان صادقانه)، قابلیت مقایسه و قابلیت فهم داشته باشد.
مگنان (۲۰۰۹)	چشم انداز حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و بحران مالی	ارزش منصفانه اغلب قابل تأیید و یا محافظه‌کارانه نیست و برای دارایی‌های غیرمالی، امکان دست‌کاری مدیریت را فراهم می‌کند.
مارکاریان (۲۰۱۴)	مجله مورخان حسابداری	بحران و ارزش‌های منصفانه: پژواک بحث‌های اوایل قرن بیستم؟	طبق مفهوم سودمندی در تصمیم‌گیری اطلاعات باید مربوط و دارای بیان صادقانه باشد. برای اولین بار قابلیت اتکا کمرنگ شد. این تعریف مربوط بودن را به‌عنوان ویژگی اصلی و بیان صادقانه در سطح پایین‌تر دیده است.
کریستیا (۲۰۱۵)	اقتصاد و امور مالی	ضرورت معرفی قوانین حسابداری و ارزش منصفانه	در چارچوب نظری آمریکا اقلام بر مبنایی که بیشترین مربوط بودن و قابلیت اتکا را داشته باشد، منعکس می‌شود.
کولیئو (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	عادلان بودن حسابداری ارزش منصفانه	پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی تا حد امکان، نیاز اصلی این استفاده‌کنندگان است. مربوط بودن اصلی‌ترین ویژگی صورت‌های مالی است. بیان صادقانه به انعکاس بهتر محتوای اقتصادی مربوط است و کمتر دقت آماری را در بر می‌گیرد.
لنارد (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	ارزش منصفانه و چارچوب مفهومی	مطابق چارچوب نامی از ارزش منصفانه برده نشده است.
مگنان و پاربونتی (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه چشم‌انداز تنظیم استاندارد	در تعیین دامنه ارزش منصفانه، استانداردارگذاران بین مربوط بودن و قابلیت اتکا با تضاد روبه‌رو هستند.

ادامه جدول ۵

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
ویتینگتون (۲۰۱۸)	آباکس	ارزش منصفانه و پروژه چارچوب مفهومی آی‌ای‌اس‌بی / اف‌ای‌اس‌بی دیدگاهی جایگزین:	از تغییرات چارچوب، به‌کارگیری واژه بیان صادقانه به‌جای قابلیت اتکاست. چارچوب توضیح می‌دهد مربوط بودن باید ابتدا در نظر گرفته شود و بیان صادقانه در درجه دوم است؛ اما هر دو ویژگی برای مفید بودن در تصمیم‌گیری لازم است.
هایون (۲۰۱۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	چگونه ارزش منصفانه هم مبتنی بر بازار و هم برای واحد تجاری خاص است	ارزش منصفانه، ارزش بازار است اما ارزش مورد استفاده بر مبنای مفروضات داخلی شرکت محاسبه می‌شود. چارچوب نظری برای انتخاب ارزش منصفانه دو ویژگی کیفی مربوط بودن و بیان صادقانه را عنوان کرده است.

با توجه به تحقیقات خلاصه شده در این بخش، پاسخ به سؤال ۳ (نقش چارچوب نظری گزارشگری مالی در توسعه ارزش منصفانه) را می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد. ارزش منصفانه پیش از ۱۹۹۰ نقش پررنگی در چارچوب نظری گزارشگری مالی نداشته و بهای تمام شده تاریخی مربوط تر و اتکاپذیرتر در نظر گرفته می‌شده است. از سال ۱۹۹۴ با ورود ابزارهای مالی پیچیده، پای ارزش منصفانه به چارچوب نظری گزارشگری مالی باز شد. ویژگی‌های اصلی ارزش منصفانه مفید بودن در تصمیم‌گیری، توجه به استفاده‌کنندگان اصلی یعنی سرمایه‌گذاران بالقوه، بالفعل و وام‌دهندگان، توجه به نیاز پیش‌بینی جریان‌های نقدی توسط استفاده‌کنندگان، توجه به مربوط بودن به‌عنوان اصلی‌ترین ویژگی صورت‌های مالی، بیان صادقانه به‌عنوان جایگزینی برای قابلیت اتکا، توجه به رویدادهای آتی به‌جای معاملات گذشته و وجود بازارهای کاراست.

در چارچوب نظری، هدف صورت‌های مالی تهیه اطلاعات مفید برای پیش‌بینی، ارزیابی و بررسی تحقق جریان‌های نقدی است و قیمت‌های خروجی حداقل ارزش برای سهام‌داران در شرایط سخت است. خصوصیات کیفی گزارشگری مالی، مربوط بودن، بیان صادقانه، قابلیت مقایسه و قابلیت فهم است. در چارچوب نظری جدید قابلیت اتکا کمرنگ شده و مربوط بودن به‌عنوان ویژگی اصلی شناخته شده است. دیگر بحث ایجاد توازن بین مربوط بودن و قابلیت اتکا مطرح نیست. پس از مربوط بودن، بیان صادقانه در درجه دوم اهمیت قرار دارد. بی‌طرفی و «شواهد تأییدکننده» در مفاهیم نظری هر دو جنبه قابلیت اتکا و محافظه‌کاری را در نظر می‌گیرد. با توجه به درگیری بین این دو مفهوم باید موازنه‌ای بین این دو خصوصیت ایجاد شود.

در بحث خصوصیات کیفی گزارشگری مالی، ارزش منصفانه تا حدی مربوط است. از قابلیت اتکای ارزش منصفانه در سطوح ۲ و ۳ اندازه‌گیری، نمی‌توان دفاع چندانی کرد. استفاده از ارزش منصفانه ویژگی کیفی تقویت‌کننده قابلیت مقایسه را بالا و قابلیت تأیید و محافظه‌کاری را پایین می‌برد. در نهایت ملاحظات هزینه - منفعت (از ویژگی‌های محدودکننده چارچوب نظری) استفاده از ارزش منصفانه را محدود می‌کند.

جدول ۶. در پاسخ به سؤال ۴، نظریه‌های مورد استفاده در نظام‌های اندازه‌گیری

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
هولتوسونا و واتس (۲۰۰۱)	مجله حسابداری و اقتصاد	ارتباط ادبیات ارزش به تنظیم استانداردهای حسابداری مالی	در تئوری ارزشیابی مستقیم، عایدی‌های حسابداری و ارزش دفتری سرمایه، اندازه‌گیری‌کننده یا در ارتباط نزدیک با تغییرات در ارزش بازار سرمایه است.
هیتز (۲۰۰۷)	بررسی‌های حسابداری اروپا	سودمندی در تصمیم حسابداری ارزش منصفانه - دیدگاهی نظری	پارادایم ارزش منصفانه بر پارادایم سودمندی در تصمیم تکیه دارد. با توجه به «فرضیه تجمع اطلاعات»، قیمت بازار مورد توافق عام قرار می‌گیرد.
رونان (۲۰۰۸)	آبکس	حمایت از ارزش منصفانه یا منع ارزش منصفانه: دیدگاه گسترده‌تر	سیستم گزارشگری مالی حال حاضر از «اصل بهای تمام شده» فاصله گرفته و به سمت «اصل تحقق مبادلات» رفته است.
ساندرز (۲۰۰۸)	افق‌های حسابداری	اقتصاد سنجی ارزش‌های منصفانه	به‌طور شناختی، مفهوم ارزش منصفانه از نظر عقلانیت نظری براساس اقتصاد مالی و عقلانیت کمی اقتصادی نشئت گرفته است.
هیتون و همکاران (۲۰۱۰)	مجله اقتصاد پولی	آیا حسابداری بر مبنای بازار بی‌ثبات‌کننده است؟	اصول اقتصادی، منطق استفاده نهادهای مالی از ارزش بازار، یا ارزش منصفانه حسابداری فراهم می‌کند.
اومبروس و جیک (۲۰۱۱)	بررسی‌های حسابداری بریتانیا	در تعقیب مشروعیت: تاریخچه‌ای در پس حسابداری ارزش منصفانه	تلاش‌های پیشین برای مشروعیت‌زدایی از بهای تمام شده تاریخی ناموفق بوده است.
لیانو و همکاران (۲۰۱۳)	مجله حسابداری و اقتصاد معاصر	عدم تقارن اطلاعاتی حسابداری ارزش منصفانه در طول بحران مالی	گام نظری مهم برای نهادینه‌کردن ارزش منصفانه ۱۹۶۶ توسط چمبرز و ۱۹۷۰ توسط استرلینگ برداشته شد.
اوکاموتو (۲۰۱۴)	انجمن حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه از دیدگاه معرفت توزیع شده	پارادایم ارزش منصفانه زیر مجموعه پارادایم سودمندی در تصمیم است. تئوری معرفت توزیع شده، نظریه نئوکلاسیک ارزش و سود و اقتصاد اطلاعات هم از تئوری‌های مؤید ارزش منصفانه است.
مارکاریان (۲۰۱۴)	مجله مورخان حسابداری	بحران و ارزش‌های منصفانه: پژوهاک بحث‌های اوایل قرن بیستم؟	پیتون و لیتلتون وظیفه حسابداری اندازه‌گیری قیمت تمام شده را اندازه‌گیری قدرت سودآوری دانستند.
مولر (۲۰۱۴)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	انقلاب حسابداری؟ مالی‌گرایی تنظیم استاندارد	مطابق لنز تئوری مشروعیت، به نظر می‌رسد ارزش منصفانه هنوز به‌طور کامل به‌عنوان یک رویه به رسمیت شناخته نشده است.
پالنا (۲۰۱۵)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	اقتصاد سیاسی گزارشگری ارزش منصفانه و حاکمیت تنظیم استانداردها	نئولیبرالیسم، جهانی‌شدن و مالی‌گرایی عناصر اصلی تغییر هستند. تئوری اقتصادی و تئوری نمایندگی در این فرایند نقش دارد.
کبیر (۲۰۱۵)	مجله الکترونیکی اس‌اس‌آران	تئوری‌های دستوری حسابداری	پیتون و لیتلتون و ایجیری اصل بهای تاریخی، مک نیل ارزش‌های بازار و چمبرز قیمت فروش مجدد را پیشنهاد می‌کند.

خلاصه تحقیقات انجام شده در پاسخ به سؤال ۴ (نظریه‌های مورد استفاده در نظام‌های اندازه‌گیری) که در جداول فوق آمده است، بدین شرح است. برخی تئوری‌پردازان اثباتی با رویکرد اصلاح طلب و با هدف تولید مدل‌های حسابداری با ساختار جهانی در رشد و توسعه ارزش منصفانه نقش کلیدی ایفا کردند. از جمله اولین حامیان ارزش منصفانه مک نیل (۱۹۳۹) و چمبرز (۱۹۶۶) بودند که با استمداد از تئوری نئوکلاسیک و نظریه سودمندی در تصمیم به دفاع از آن پرداختند. مک نیل معتقد بود اصول حسابداری به موازات رشد حسابداری رشد نکرده است و بنابراین به رویه‌های عمل موجود حمله کرد. او ارزش را به‌عنوان ارزش اقتصادی که در نتیجه عرضه و تقاضا در یک بازار آزاد و رقابتی تعریف کرد و بنابراین این تعریف ارزش منصفانه بهترین مبنای اندازه‌گیری معرفی شد. چمبرز نیز با تأکید بر ایده انطباق تأکید را بر صورت وضعیت مالی منعطف دانست. از نظر او سود پس از تعدیل صورت وضعیت مالی بابت تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها محاسبه می‌شود. از سوی دیگر ارزش منصفانه در میان تئوری‌پردازان اثباتی مخالفانی هم داشته است. از جمله آنها پیتون و لیتلتون (۱۹۴۰)، لیتلتون (۱۹۵۳) و ایجیری (۱۹۷۵) هستند. از نظر آنها مهم‌ترین هدف حسابداری تعیین سود از طریق تطابق سیستماتیک بهای تمام شده و درآمد است. بهای تمام شده که دارای عینیت و قابلیت اندازه‌گیری است، مبنای ثبت دارایی‌ها، بدهی‌ها و سرمایه است و درآمد در مقطع فروش ثبت می‌شود. آنها اطلاعات ارزش منصفانه را به شکل اطلاعات مکمل در صورت‌های مالی مفید می‌دانند. لیتلتون معتقد است، هدف اصلی تعیین سود دوره از طریق تطابق بهای تمام شده و درآمد است. اثر تغییر قیمت‌ها نامربوط و گیج‌کننده است. به گفته ایجیری حسابداری در واقع روابط بین طرفین ذی‌نفع را تسهیل می‌کند و این حساب‌دهی است که حسابداری را از سایر سیستم‌های اطلاعاتی در یک سازمان یا یک جامعه متمایز می‌سازد. از نظر او بهای تاریخی با ثبت رویدادهای گذشته، انعکاس عملکرد شرکت و سخت بودن به‌عنوان یک معیار اندازه‌گیری بهترین رویه عمل است. حرکت به سمت ارزش منصفانه در واقع یک تغییر در پارادایم شناخته می‌شود. یک پارادایم مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهایی است که توسط یک جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود. پارادایم ارزش منصفانه بر پارادایم سودمندی در تصمیم تکیه دارد. تئوری مشروعیت، تئوری معرفت توزیع شده، نظریه نئوکلاسیک ارزش و سود، اقتصاد اطلاعات، رویکرد دارایی - بدهی و مالی‌گرایی مبانی نظری پشتوانه ارزش منصفانه هستند.

جدول ۷. در پاسخ به سؤال ۵، مزایای ارزش منصفانه

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
بارت (۲۰۰۰)	حسابداری و امور مالی	تحقیقات حسابداری مبتنی بر ارزش: مفاهیم گزارشگری مالی و فرصت‌های تحقیقات آینده	ارزش‌های منصفانه به اندازه کافی مربوط و اتکاپذیرند که در قیمت سهام منعکس شوند. اگرچه برآوردها دارای تحریف بوده اما تا حدی مربوط و قابل اتکا هستند، تحریف مربوط بودن و قابلیت اتکا را به‌طور کامل حذف نمی‌کند.
بارلو و حداد (۲۰۰۳)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و مدیریت شرکت	مربوط بودن گزارش‌های مالی با میزان ارتباط بین بازار و بازده حسابداری و افزایش پاسخ‌گویی، کم‌شدن هزینه‌های نمایندگی، افزایش کارایی مدیریت و تهیه اطلاعات مربوط برای سهام‌داران و کارکنان شناخته می‌شود و ارزش منصفانه توجه سهام‌داران را به ارزش سرمایه و بهبود پاسخ‌گویی جلب می‌کند. همچنین ارزش منصفانه، افشائیات و در نتیجه شفافیت را افزایش می‌دهد.

ادامه جدول ۷

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
ریچارد (۲۰۰۴)	بررسی‌های حسابداری اروپا	گذشته رازآلود ارزش منصفانه: درس‌هایی از تاریخ در مورد فرانسه	اطلاعات بازار برای استفاده‌کنندگان در تعیین جریان‌های نقدی آتی مؤثر است. جریان‌های نقدی آتی تنزیل شده همان ارزش منصفانه است بنابراین تنها راهنما برای ایجاد شفافیت در صورت‌های مالی ارزش منصفانه تلقی می‌شود.
بارت (۲۰۰۷)	انجمن سیاست‌های حسابداری بین‌المللی	مسائل اندازه‌گیری در تنظیم استاندارد و ارتباط تحقیق	از آنجا که تعریف بازار از قابلیت اتکا از مبتنی بر معامله بودن به بیان صادقانه واقعیت اقتصادی تغییر کرده بسیاری از انتقادهای ارزش منصفانه در این خصوص دیگر وارد نیست. حقایقی مثل ذهنیت و عدم اطمینان حالا دیگر پذیرفته شده هستند.
پن من (۲۰۰۷)	تحقیقات حسابداری و بازرگانی	کیفیت گزارشگری مالی: ارزش منصفانه مثبت است یا منفی؟	زمانی ارزش منصفانه مزیت است که ارزش برای سهام‌داران تنها از طریق ریسک قیمت بازار تعیین شود (رابطه مستقیم بین ارزش برای سهام‌داران و قیمت بازار). به‌طور مثال، برای سرمایه‌گذاری در سهام یا اوراق قرضه موجود در بازار.
پلانتین و همکاران (۲۰۰۸)	مجله تحقیقات حسابداری	ارزش بازار: نوش دارو یا جعبه پاندورا؟	طرف‌داران ارزش منصفانه عنوان می‌دارند که ارزش بازار یک دارایی یا بدهی مربوطتر از بهای تاریخی آن است؛ زیرا منعکس‌کننده ارزش خرید یا فروش آن دارایی و بدهی در شرایط جاری و بین طرفین مایل به انجام معامله است.
آلن و کارلتی (۲۰۰۸)	مجله حسابداری و اقتصاد	حسابداری ارزش بازار و ارزش‌گذاری نقدینگی	از مزایای ارزش منصفانه نسبت به بهای تاریخی در بحران ۲۰۰۸ این بود که بهای تاریخی مشکل را پنهان کرد؛ چون اجازه شناسایی تدریجی زیان‌های بهره را داد.
ویلیام و جکسون (۲۰۰۸)	انجمن حسابداری	ارزش منصفانه در گزارشگری مالی: مشکلات و چالش‌های عملی. تحلیل موردی استفاده از ارزش‌گذاری منصفانه در انرون	مهم‌ترین مزایای ارزش منصفانه، شامل گنجانیدن ارزیابی‌های به‌روزتر و مربوطتر در صورت وضعیت مالی است و ارقام سود منتهج از آن از نظر نظارتی و پیش‌بینی‌کنندگی ارزش افزوده بیشتری دارد. توجه به حسابداری ارزش منصفانه، حداقل در تئوری، دست‌کاری مدیریت را در شناسایی سودها و زیان‌ها از بین می‌برد.
لاکس و لیو (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	بحران حسابداری ارزش منصفانه: درک بحث اخیر	شواهدی وجود ندارد که نشان دهد در صورت استفاده از بهای تاریخی سرمایه‌گذاران آرامش بیشتری دارند. آنها غیرمطلع نیستند و حتی در نبود ارزش منصفانه نیز اثرات آن را (شاید هم شدیدتر) در نظر می‌گیرند.
پاور (۲۰۱۰)	تحقیقات حسابداری و بازرگانی	حسابداری ارزش منصفانه، اقتصاد مالی و تغییر قابلیت اطمینان	یکی از انگیزه‌های استفاده از ارزش منصفانه پتانسیل آن برای حداقل کردن آزادی مدیران در دست‌کاری اعداد حسابداری است. ارزش منصفانه قابلیت اتکا را با دور کردن ارزیابی‌ها از نظر شرکت درخصوص ارزش‌ها بالا می‌برد.
جگی (۲۰۱۰)	بررسی بازارها و سیاست‌های مالی حوزه اقیانوس آرام	آیا آینده‌ای برای حسابداری ارزش منصفانه پس از بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ وجود دارد؟	حسابداری ارزش منصفانه اطلاعات مفیدی فراهم می‌کند که برای سرمایه‌گذاران ارزش بیشتری خواهد داشت، چرا که این اطلاعات صادقانه است. ارزش‌های بازار دارایی‌ها و بدهی‌ها منجر به شناخت بهتر پروفایل ریسک شرکت می‌شود.

ادامه جدول ۷

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
کوتاری و همکاران (۲۰۱۰)	مجله حسابداری و اقتصاد	مفاهیم استانداردهای آمریکا از تجزیه و تحلیل تحقیقات اثباتی در حسابداری	ارزش منصفانه برای دو هدف به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند: برای اهداف ارزشیابی سرمایه و ارزیابی عملکرد مدیریت.
پالنا (۲۰۱۴)	مجله گزارش‌گری مالی و حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و سودمندی آن برای استفاده کنندگان صورتهای مالی	ارزش‌های منصفانه شفافیت را افزایش داده و اقدامات اصلاحی سریع را تشویق می‌کند. وضعیت بازار فعلی یک شرکت را منعکس می‌کند و ارتباط آن را با سودمندی در تصمیم ایجاد می‌کند. از نقطه نظر استانداردها و ادبیات دانشگاهی بیان می‌شود که ارزش منصفانه بیشترین اطلاعات مربوط را برای کاربران صورتهای مالی ارائه می‌دهد. حسابداری ارزش منصفانه به سرمایه‌گذاران اطلاعات بهتر برای پیش‌بینی ظرفیت شرکت‌ها برای تولید جریان نقد بر مبنای منابع موجود دهد و بنابراین سودمندی تصمیم‌گیری اطلاعات مالی را بهبود بخشد. ارزش منصفانه صرفاً نقش مخبر بحران‌ها را ایفا کرده است.
دروچرا و گوندرونوب (۲۰۱۴)	تحقیقات حسابداری و بازرگانی	تعهد معرفتی و عدم وحدت شناختی نسبت به حسابداری ارزش منصفانه	حسابداری ارزش منصفانه بر این دلالت دارد که صورتهای مالی عمدتاً برای اهداف تصمیم‌گیری از طرف سرمایه‌گذاران تولید می‌شود و سرمایه‌داران به داده‌های صورت وضعیت مالی با توجه به قیمت‌های بازار علاقه‌مندند.
بت و رایان (۲۰۱۵)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	تأثیر مدل‌سازی ریسک بر ادراک بازار از سود و زیان برآوردی ارزش منصفانه بانک‌ها برای ابزارهای مالی	مدل‌های ریسک بازار، اندازه‌گیری سود ارزش منصفانه و زیان‌های ثبت‌شده در صورت سود و زیان جامع را بهبود می‌بخشد، در حالی که مدل‌های ریسک اعتباری اغلب اندازه‌گیری سود و زیان ارزش منصفانه افشا شده در یادداشت‌ها را بهبود می‌بخشد.
کریستیا (۲۰۱۵)	اقتصاد و امور مالی	ضرورت معرفی قوانین حسابداری و ارزش منصفانه در چارچوب مفهومی	مزایای ارزش منصفانه بدین شرح هستند: قابلیت پیش‌بینی، هم‌راستایی با مدیریت ریسک، محاسبه ارزش کل، ایجاد ارزش افزوده، کاهش پیچیدگی، قابلیت مقایسه، عدم سوگیری.
ماجرکاکوا و اسکودا (۲۰۱۵)	مجله تحقیقات کاربردی حسابداری	ارزش منصفانه در صورتهای مالی پس از بحران مالی	انتقاد فعلی ارزش منصفانه در خصوص قابلیت اتکا و مربوط بودن پایین به خوبی بیان نشده است و تنها برای کسانی که از قیمت‌های فزاینده سود برده‌اند؛ اما اکنون باید با ضررهای بزرگ‌تری مواجه شوند با اهمیت است.
بال و هالدین (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	بحران و ارزش‌های منصفانه: آیا استفاده از ارزش‌های منصفانه ریسک‌های سیستمی را افزایش می‌دهد؟	قیمت‌های بازار با وجود اینکه دارای نوسان هستند، سیگنال‌های به موقع ارائه می‌کنند. آن‌ها به احتمال زیاد به شناسایی و مدیریت خطرات و اشتباهات در حال ظهور، توسط قانون‌گذاران و تنظیم‌کنندگان مقررات کمک می‌کنند.
بوسکینک و وریست (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه در مؤسسه‌های مالی	قیمت بازار منجر به شفافیت و بینش بیشتر در مورد ریسک‌های مالی می‌شود و به شرکت‌کنندگان در بازار اجازه می‌دهد تا ریسک فعلی شرکت، بهبود نظارت و بازده تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری را ارزیابی کنند.

ادامه جدول ۷

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
پیسنل (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	آیا استانداردها گذاران از معیارهای حسابداری ارزش منصفانه بیش از استفاده کرده‌اند یا بسیار کم؟	کاربرد صحیح سطوح ارزش منصفانه استفاده از سطح یک را در شرایطی که معاملات از یک بازار منظم نشئت نمی‌گیرد اجباری کرده و واضح است که بازار نمی‌تواند در شرایط بحران مالی منطقی به حساب آید.
کمپ بل و همکاران (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	استفاده از حسابداری ارزش منصفانه در مدیریت ریسک در شرکت‌های غیر مالی	حسابداری ارزش منصفانه آیت‌م مصون‌سازی شده و ابزار مصون‌سازی ریسک را یکسان می‌کند و سود (زیان) ناشی از تغییر در ارزش منصفانه آیت‌م مصون‌سازی شده و زیان (سود) ناشی از تغییر در ابزار مصون‌سازی ریسک، یکدیگر را در صورت سود و زیان تهاتر می‌کند. نوسان در درآمدها کاهش یافته که با انگیزه‌های اقتصادی برای ورود به مصون‌سازی همراه است.
کولیو (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	عادلان بودن حسابداری ارزش منصفانه	شفافیت با بالا بردن کیفیت و بیان واقعیت اقتصادی حاصل می‌شود. ارزش منصفانه در این راه کمک شایانی کرده است. پارادایم ارزش منصفانه «صدای مدیران» را به نفع «صدای بازار» کم می‌کند.
گیلیام و هافمن (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه یک مدیر آینده‌نگر	حسابداری ارزش منصفانه به اطلاعات دقیق‌تری منجر خواهد شد که ارزش‌داری‌ها را منعکس کرده و برای سرمایه‌گذاران مفید خواهد بود و عمل زمان‌بندی فروش‌داری را به‌منظور برآورده کردن اهداف گزارش‌دهی بی‌اثر می‌کند.
لنارد (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	ارزش منصفانه و چارچوب مفهومی	حسابداری ارزش منصفانه ناهماهنگی در استانداردهای حسابداری موجود بر گزارشگری مالی با انواع مختلف نهادها را حذف می‌کند. استاندارد حسابداری ارزش منصفانه، چارچوب و دستورالعمل‌های دقیقی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه ارائه داد.
هاسول و ایونز (۲۰۱۸)	مجله حسابداری، حسابرسی و پاسخ‌گویی	انرون، حسابداری ارزش منصفانه و بحران‌های مالی: تاریخچه مختصر	ارزش منصفانه به‌روزتر و در نتیجه مربوط‌تر است. ارزش به‌روز‌داری‌ها در ارزیابی عملکرد مدیریت مربوط‌تر است. بهای تاریخی در معرض دست‌کاری مدیریت از طریق پنهان کردن افزایش ارزش در داری‌هاست.

خلاصه تحقیقات انجام شده در پاسخ به سؤال ۵ (مزایای ارزش منصفانه)، که در جداول فوق آمده است، بدین شرح است. ارزش منصفانه اطلاعات مربوط و به‌موقع ارائه می‌دهد و بنابراین شفافیت، نظارت، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی و اقدامات اصلاحی را بالا می‌برد. این شیوه اندازه‌گیری به شرکت‌کنندگان در بازار اجازه ارزیابی ریسک فعلی شرکت، نظارت و بازده تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری را می‌دهد. در رعایت الزامات حسابداری ارزش منصفانه شرکت باید اطلاعات گسترده‌ای در مورد روش مورد استفاده، مفروضات، مواجهه با ریسک، حساسیت‌های مربوط به ریسک و مسائل دیگر را افشا کند که به صورت‌های مالی کامل منجر می‌شود. ارزش منصفانه پاسخ‌گویی مدیریت را بهبود می‌دهد. ارزش منصفانه ارتباط بین بازار و بازده حسابداری و پاسخ‌گویی و کارایی مدیریت را افزایش داده و باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود.

ارزش منصفانه وسیله‌ای برای مدیریت ریسک است. این سیستم پرتفوی ریسک جاری سازمان را نشان می‌دهد و به سرمایه‌گذاران جهت تصمیم‌گیری و اقدامات اصلاحی کمک می‌کند. در مصون سازی، ارزش منصفانه به شرکت اجازه می‌دهد تا مبنای ارزیابی آیتیم مصون‌سازی شده به ارزش منصفانه تغییر کند و معیارها یکسان شده و نوسانات درآمدی ناشی از مصون‌سازی کم می‌شود. عده زیادی از موافقان ارزش منصفانه اعتقاد دارند که اطلاعات ارائه شده توسط این رویکرد اندازه‌گیری قابلیت اتکای بالاتری از رویکردهای رقیب دارد چون قابلیت تأیید و بی‌طرفی آن بالاتر است. ارزش منصفانه برای دارایی‌هایی که فرصت سودآوری بیشتر از آنها با فروش ممکن شود مفید است.

ناهماهنگی در استانداردهای حسابداری به وسیله ارزش منصفانه حذف می‌شود. ارزش منصفانه پتانسیل آن را دارد که آزادی مدیران در دست‌کاری اعداد حسابداری را حداقل کند. الزامات افشا نیز توسط ارزش منصفانه بهتر رعایت می‌شود. ارزش منصفانه ایجادکننده بحران نیست؛ بلکه مخبر آن است. این نظام ارزش‌گذاری با تهیه اطلاعات شفاف‌تر و بهتر توازن قدرت بین ذی‌نفعان را برقرار می‌کند.

جدول ۸. در پاسخ به سؤال ۶، معایب ارزش منصفانه

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
هولتوسنا و واتس (۲۰۰۱)	مجله حسابداری و اقتصاد	ارتباط ادبیات مربوط به ارزش در تنظیم استانداردهای حسابداری مالی	حسابداری با تکیه بر مربوط بودن، اطلاعات پیش‌بینی و تبیین بهتری نمی‌دهد. معیارهای مربوط بودن برخی معیارهای مفید بودن را ندارد.
بارلو و حداد (۲۰۰۳)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و مدیریت شرکت	محاسبه ارزش منصفانه سخت است. تغییرات در سطح عمومی قیمت‌ها در آن دیده نمی‌شود.
ریچارد (۲۰۰۴)	بررسی‌های حسابداری اروپا	گذشته رازآلود ارزش منصفانه: درس‌هایی از تاریخ در مورد فرانسه	مدیران شرکت‌های بزرگ نگرانی‌هایی از به‌کارگیری ارزش منصفانه دارند. تحلیل‌گران مالی نیز به دلایل قابلیت اتکای پایین، امکان دست‌کاری و به خصوص نوسان در نتایج مشتاق استفاده از ارزش منصفانه نیستند.
مکارتی (۲۰۰۴)	مجله حسابداران رسمی خصوصی	پیچیدگی غیر ضروری در اصول حسابداری	ارزش منصفانه با لابی‌گری شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و مؤسسه‌های حسابرسی و به سود آنها ابداع شده است.
فلگم (۲۰۰۵)	مجله حسابداران رسمی خصوصی	حل مشکل، نبودن ایجاد آن	ارزش منصفانه ایجادکننده بحران‌های مالی است.
پن‌من (۲۰۰۷)	تحقیقات حسابداری و بازرگانی	کیفیت گزارشگری مالی: ارزش منصفانه مزیت است یا عیب؟	ارزش‌های منصفانه برای قیمت‌هایی که وابسته به اطلاعات بهای تاریخی هستند مناسب نیست و حساب قیمت ایجاد می‌کند.
رایمن (۲۰۰۷)	بررسی‌های حسابداری بریتانیا	حسابداری ارزش منصفانه و مغالطه ارزش فعلی	سیستم ارزش منصفانه و حسابداری تعهدی براساس فرضیات آشکاری است که به غلط شناخته شده‌اند.
هیتز (۲۰۰۷)	بررسی‌های حسابداری اروپا	سودمندی در تصمیم‌گیری ارزش منصفانه	بحث درباره حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی مسائل مفهومی و اجرایی زیادی را نشان می‌دهد.

ادامه جدول ۸

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
بنستن (۲۰۰۸)	مجله حسابداری و سیاست عمومی	کاستی‌های حسابداری ارزش منصفانه شرح داده شده در اس‌اف‌ای‌اس	برای مدیران مالی و مدیران عامل شرکت‌هایی که در فکر دست‌کاری هستند، ارزش منصفانه راه را باز می‌کند.
پلانتین و همکاران (۲۰۰۸)	مجله تحقیقات حسابداری	ارزش بازار: نوش دارو یا جعبه پاندورا؟	ارزش منصفانه در زمان‌های دشواری مناسب نیست و بهای تاریخی در شرایط مساعد نامناسب است. با بیشتر شدن زمان نگهداشت دارایی‌ها هر دو رژیم ناکارتر می‌شود اما میزان ناکارایی بهای تاریخی کمتر از ارزش منصفانه است.
رونان (۲۰۰۸)	آباکس	حمایت از ارزش منصفانه یا منع ارزش منصفانه: دیدگاه گسترده‌تر	منتقدان بهای تاریخی آن را سیستمی گذشته‌نگر می‌دانند در حالی که سیستم مذکور آینده‌نگر است.
ویلیام و جکسون (۲۰۰۸)	انجمن حسابداری	ارزش منصفانه در گزارش‌گری مالی	در خصوص قابلیت اتکای ارزیابی‌ها و روشی که تغییرات ارزش گذاری باید گزارش شود در ارزش منصفانه نگرانی وجود دارد.
لاکس و لیو (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	بحران حسابداری ارزش منصفانه: درک بحث اخیر در گزارش‌گری مالی	ارزش منصفانه امکان دست‌کاری را در شرایط سخت فراهم می‌کند. اثر چرخه‌ای آن اثرات مخرب بر اقتصاد دارد.
مک سوئیزی (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	نقش انکار شکست بازار دارایی‌های مالی بر بحران اقتصادی: تاملی بر تئوری‌ها و شیوه‌های حسابداری و مالی	این ادعا که حسابداری ارزش منصفانه «نمایش صادقانه واقعیت» را ارائه می‌دهد اشتباه است.
مگنان (۲۰۰۹)	چشم‌انداز حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و بحران مالی: تحلیلی مبتنی بر ادبیات	ارزش‌های منصفانه تحت کنترل اکچوثرها، متخصصان ارزیابی یا مهندسان مالی است و حسابداران نقش درجه دوم را دارند.
هوپوود (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	بحران اقتصادی و حسابداری	حرکت به سمت حسابداری ارزش منصفانه در حال حاضر به شدت مورد بحث قرار گرفته است.
هیلتون و اوبرین (۲۰۰۹)	مجله تحقیقات حسابداری	ارزش بازار، ارزش منصفانه و اختیار مدیریت	ارزش منصفانه به‌طور ضمنی خطر اخلاقی را در گزارش مدیریت در مورد شرکت و عملکرد آن نادیده می‌گیرد.
هیتون و همکاران (۲۰۱۰)	مجله اقتصاد پولی	آیا حسابداری بر مبنای بازار بی‌ثبات‌کننده است؟	دست‌کاری در ارزیابی دارایی‌ها تحت حسابداری ارزش منصفانه بیشتر از جریان‌های نقدی تحت حسابداری بهای تاریخی است. سود در حسابداری ارزش منصفانه بیشتر از حسابداری بهای تاریخی نوسان دارد.
واکر (۲۰۱۰)	بررسی حسابداری بریتانیا	حسابداری برای انواع سرمایه‌داری	تهیه اطلاعات حسابداری بهای تاریخی آسان‌تر از متعهد شدن به تولید اطلاعات ارزش منصفانه است.

ادامه جدول ۸

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
پالنا (۲۰۱۴)	مجله گزارشگری مالی و حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و سودمندی آن برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی	ارزش منصفانه به تنهایی نمی‌تواند به سرمایه‌گذاران برای ارزیابی مدیریت دقیق و مسئولانه وجوه کمک کند.
ژانگ و اندرو (۲۰۱۴)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	مالی‌گرایی و چارچوب مفهومی	استفاده از ارزش منصفانه موجب بیش‌نمایی دارایی‌های سطح یک می‌شود. محاسبه ارزش منصفانه سطوح دیگر مستلزم استفاده از قضاوت است و بنابراین ممکن است بیان صادقانه از شرایط موجود نباشد.
مارکاریان (۲۰۱۴)	مجله مورخان حسابداری	بحران و ارزش‌های منصفانه: پژواک بحث‌های اوایل قرن بیستم؟	ارزش منصفانه نه مفید است و نه مربوط چون سود شرکت را متورم کرده و ریسک‌های فعالیت شرکت را پنهان می‌کند.
مولر (۲۰۱۴)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	انقلاب حسابداری؟ مالی‌گرایی تنظیم استاندارد	مشکلات زمانی ایجاد می‌شود که هیچ بازاری برای دارایی مورد نظر وجود نداشته باشد و یا زمانی که بازار نقدینگی ندارد.
پالنا (۲۰۱۵)	مجله گزارشگری مالی و حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و سودمندی آن برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی	حسابداری ارزش منصفانه با غیر شفاف کردن صورت‌های مالی امکان رصد کردن رفتار مدیران را توسط سهام‌داران از بین می‌برد. مدیران در برابر اقدامات خود کمتر پاسخ‌گو خواهند بود و احتمالاً بیشتر به دنبال کسب منافع شخصی خواهند بود.
کریستیا (۲۰۱۵)	اقتصاد و امور مالی	ضرورت معرفی قوانین حسابداری و ارزش منصفانه در چارچوب مفهومی	چون معمولاً شرکت‌ها نمی‌خواهند دارایی‌های خود را بفروشند در استعمال قیمت، خریدار که می‌داند معامله واقعی نیست معمولاً قیمت حراج را ارائه می‌کند که کمتر از مبلغ واقعی ارزش دارایی است. این معاملات صوری باید بایگانی شود.
کوپر (۲۰۱۵)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	حسابداری ساختگی: سهم مارکسیسم در درک نقش‌های حسابداری	مسئله اساسی‌تر در خصوص دارایی‌های سطح سه است که برای ارزیابی آنها مدل‌هایی مثل CAPM استفاده می‌شود. این مدل از نظر فروض اولیه با ایراداتی مواجه است. فرض بازار کارا از دیگر فروض اولیه آن است.
ماجر کاکوا و اسکودا (۲۰۱۵)	مجله تحقیقات کاربردی حسابداری	ارزش منصفانه در صورت‌های مالی پس از بحران مالی	اطلاعات موجود در صورت‌های مالی ارائه شده توسط روش حسابداری ارزش منصفانه، تنها برای یک دوره محدود، مربوط و اتکاپذیر است. تغییر در محیط بازار می‌تواند منجر به تفاوت‌های عمده‌ای در وضعیت مالی واقعی یک شرکت شود.
مکدونات و شکسپیر (۲۰۱۵)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	قابلیت‌های اندازه‌گیری ارزش منصفانه، قابلیت اطمینان افشای برآوردهای ارزش منصفانه	منتقدان ادعا می‌کنند که برخی از اندازه‌گیری‌های ارزش منصفانه برای سرمایه‌گذاران مفید نیستند، زیرا قابلیت اتکای این برآوردها کاهش یافته و مستعد دست‌کاری و در معرض خطای تخمین هستند.

ادامه جدول ۸

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
بلافوس و جیکوب (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	پیامدهای مربوط به مالیات حسابداری ارزش منصفانه	به دلیل ابهام در اندازه گیری ارزش منصفانه، برخی از محققان مالیاتی استدلال می‌کنند که «عینیت ارزش‌های منصفانه همیشه برای اهداف مالیاتی کافی نیست» و بنابراین «واضح است که برای مالیات مناسب نیست».
بوسکینک و وریست (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه در مؤسسات مالی	برای بسیاری از طبقات دارایی و بدهی، قیمت‌هایی که در آن تراکنش رخ می‌دهد موجود نیست و یا تعیین آن دشوار است.
عامل‌زاده و میکس (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	اندازه‌گیری ارزش منصفانه در هنگام ناکارایی بازارها	ارزیابی بدهی‌های بازنشستگی، بی‌قاعدگی بیشتری در تعیین ارزش‌های منصفانه تلقی می‌شود.
گیلیام و هافمن (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه یک مدیر آینده‌نگر	اطلاعات ارزش منصفانه می‌تواند ادراک سرمایه‌گذاران را در طول حباب‌ها یا بحران‌های بازار تغییر داده یا تحریف کند.
لنارد (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	ارزش منصفانه و چارچوب مفهومی	ارزش منصفانه یک دارایی یا یک بدهی تقریباً هیچ چیزی در مورد مقدار، زمان‌بندی و عدم قطعیت جریان‌های نقدی آتی بیان نمی‌کند، بلکه تنها ارزش جریان‌های نقدی آتی را مشخص می‌کند.
مازولا و بوگلیو (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	شرکت‌های خانوادگی و حسابداری ارزش منصفانه	خروج در منطق معمول بنگاه‌های خانوادگی، با توجه به دخالت اعضای خانواده در تیم مدیریت، پیوند عاطفی قوی بین خانواده کنترل‌کننده و شرکت و تمایل به نهادینه‌کردن کسب و کار یا تعلق دارایی‌ها به نسل آینده، بسیار دور از ذهن است.
مگنان و پارونتی (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه با چشم انداز تنظیم استاندارد	حسابداری مبتنی بر بهای تاریخی برای گزارشگری مالی در زمینه پاسخ‌گویی، مناسب‌تر است.
هاسول و ایونز (۲۰۱۸)	مجله حسابداری، حسابرسی و پاسخ‌گویی	انرون، حسابداری ارزش منصفانه و بحران‌های مالی: تاریخچه مختصر	ارزش منصفانه ذهنی است. ارزش بازار مورد این نقد است که دیدگاه کوتاه‌مدتی به قیمت‌های بازار در زمان رکود دارد.
ماتنزاری و جورجیو (۲۰۱۹)	دیدگاه انتقادی در حسابداری	هژمونی ایدئولوژیک و رضایت استانداردهای بین‌المللی: بینش بدیت آمده از دست اندرکاران در یونان	محاسبه ارزش منصفانه دشوار و مبتنی بر برآورد است. از نظر تحلیلگران ممکن است استفاده از ارزش منصفانه اطلاعات غیرواقعی ارائه دهد. ارزش منصفانه امکان ایجاد دست‌کاری در حساب‌ها را بیشتر می‌کند.
هایون (۲۰۱۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	چگونه ارزش منصفانه هم مبتنی بر بازار و هم برای واحد تجاری خاص است	این بازار کارا مدینه فاضله‌ای است که حتی در بازار آمریکا نیز نمونه آن را نمی‌بینیم.

برای پاسخ به سؤال ۶ (معایب ارزش منصفانه) و با توجه به تحقیقات خلاصه شده در این بخش، می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد. در به‌کارگیری ارزش منصفانه با استفاده از روش‌های مختلف نتایج متفاوتی به‌دست می‌آید و بنابراین انحراف قیمت‌گذاری داریم. قیمت‌های بازار شاید همواره ارزش‌های پایه را نشان ندهد و بنابراین اطلاعات ارزش منصفانه می‌تواند همراه‌کننده باشد. به‌کارگیری ارزش منصفانه در شرایط ناکارایی بازار حباب قیمت ایجاد می‌کند. در بازارهای غیرکارا ارزش منصفانه هم از نظر اندازه‌گیری و هم از نظر افشا ایراد دارد. مخالفان ارزش منصفانه آن را تشدیدکننده بحران، به خصوص برای نهادهای مالی می‌دانند. برخی تحقیقات نیز با اشاره به اثر چرخه‌ای ارزش منصفانه بر اقتصاد، آن را ایجادکننده بحران می‌دانند.

ارزش منصفانه برای مدیرانی که در فکر دست‌کاری اطلاعات هستند راه را باز می‌کند. در این شرایط پاسخ‌گویی مدیران نیز کمتر شده خطر اخلاقی نادیده گرفته می‌شود. از آنجا که ارزش‌های خروجی متکی به ارزش‌های فرضی به‌جای ارزش‌های بازار است، قابلیت اتکای ارزش منصفانه پایین است. هرچه در تعیین ارزش منصفانه بیشتر از برآورد استفاده شود، یعنی سطوح دو و به‌خصوص سه، توضیح‌دهندگی آن کاهش می‌یابد و بیشتر در معرض خطای تخمین است. تعریف ارزش منصفانه بر مبنای ارزش خروجی، رویکردی کوتاه‌مدت داشته و بنابراین برای اعتباردهندگان و سهام‌دارانی که به فروش سهم خود فکر می‌کنند مفید است نه آنهایی که به نگهداری سرمایه‌گذاری در بلندمدت می‌اندیشند. برای با توجه به این که خروج در منطق معمول بنگاه‌های خانوادگی دور از ذهن است، ارزش‌های خروجی در تعریف ارزش منصفانه برای این‌گونه شرکت‌ها مناسب نخواهد بود. از دلایل بسیار جدی در رد ایده ارزش منصفانه اثر مستقیم آن بر ایجاد نوسان‌های درآمدی است. از دید مدیران، نوسان‌ها بیانگر خطرهایست.

حسابداران با وجود اکچوئرها، متخصصان ارزیابی و مهندسان مالی، نقش ثانویه را در به‌کارگیری ارزش منصفانه دارند. درک بازارها، تحصیلات و آموزش حسابداران در این زمینه باید تقویت شود. همین موارد باعث بالا رفتن وقت و هزینه به‌کارگیری ارزش منصفانه نیز می‌شود. شرکت‌های کوچک توان صرف هزینه‌های فوق را ندارند. از اشتباهات حسابداران در محاسبه ارزش منصفانه این است که برخلاف تعریف، گاهی ارزش منصفانه به‌جای ارزش خروجی، بر مبنای ارزش ورودی محاسبه می‌شود و حتی در صورت استفاده از ارزش‌های خروجی، به هزینه‌های معامله هم در آن لحاظ می‌شود. از منظر حسابرسی نیز بررسی ادعاهای مدیریتی پیچیدگی و هزینه بیشتری دارد. پیدا کردن تقلب سخت می‌شود و خطر پرونده‌های حقوقی برای حسابرسان بالا می‌رود. حسابرسان با افزایش حق‌الزحمه سعی در رفع این مشکلات دارند.

در بسیاری از کشورها، سودهای تحقق‌نیافته ناشی از ارزش منصفانه مشمول مالیات قرار می‌گیرد. با توجه به احتمال بیشتر اعمال نظر و دست‌کاری مدیریتی به‌خصوص در سطوح دو و سه ارزش منصفانه، میزان مالیاتی با دقت بیشتری رسیدگی مالیاتی شرکت‌هایی را که از ارزش منصفانه استفاده می‌کنند، انجام می‌دهند. در صورت استفاده از ارزش منصفانه، به‌دلیل دشواری در رسیدگی و الزامات مجامع مالیاتی بر وجود اسناد و مدارک مثبته زیاد، هزینه‌های مالیاتی برای شرکت‌ها می‌یابد. ارزش منصفانه از بهای تاریخی پیش‌بینی‌کنندگی کمتری دارد. علاوه بر این ریسک اطلاعات به توانایی سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی کیفیت اطلاعات در زمان آینده بستگی دارد. بنابراین مدیریت ریسک نیز با استفاده از ارزش منصفانه تضعیف می‌شود.

در نهایت برخی از اندیشمندان معتقداند، انتخاب بین بهای تاریخی و ارزش منصفانه به معنی قربانی کردن یکی از دو هدف اصلی صورت‌های مالی است. سیستم سنجش دوگانه راه‌حل این مشکل است. اطلاعات تهیه شده توسط هر دو شیوه، اطلاعات مفیدی به سرمایه‌گذاران ارائه می‌کند. ارزش منصفانه در خصوص مزایای مورد انتظار اطلاعات می‌دهد در حالی که بهای تاریخی برای نظارت و کنترل مفید است.

جدول ۹. در پاسخ به سؤال ۷، بحران‌های مالی و اثر ارزش منصفانه بر آنها

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
بکر و هایس (۲۰۰۴)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	رجحان محتوا بر شکل: موضوع شرکت انرون	در پی شیوه‌های نادرست حسابداری در شرکت انرون، ورلدکام و دیگر شرکت‌های بزرگ آمریکایی، کنگره آمریکا قانون ساریانس - آکسلی ۲۰۰۲ را تصویب کرد.
بنستن (۲۰۰۶)	مجله حسابداری و سیاست عمومی	حسابداری ارزش منصفانه: یک داستان هشداردهنده از انرون	اگرچه شکست شرکت انرون در دسامبر ۲۰۰۱ دلایل بسیاری داشت، دلیل محکمی وجود دارد که بر این باور باشیم که استفاده از حسابداری ارزش منصفانه سطح سه، نقش مهمی در نابودی آن ایفا کرده است.
آلن و کارلتی (۲۰۰۸)	مجله حسابداری و اقتصاد	حسابداری ارزش بازار و ارزش‌گذاری نقدینگی	در زمان بحران قیمت، دارایی‌ها منعکس‌کننده ارزش فعلی جریان‌های نقد آتی آنها نیست. بنابراین ممکن است ارزش دارایی‌ها کمتر از بدهی‌ها شود که به ورشکستگی بانک‌ها می‌انجامد هر چند که در واقع بانک توان انجام تعهدهایش را در صورت اجازه تداوم فعالیت دارد.
آرنولد (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	بحران مالی جهانی: چالش تحقیقات حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه به توسعه اعتبار بیش از حد کمک کرد و رکود اقتصادی را با تشویق ریسک دوره‌ای بدتر کرد.
رابرتز و جونز (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	حسابداری برای منافع شخصی در بحران اعتباری	پس از شروع بحران، تردیدهایی در مورد اثرهای حسابداری ارزش منصفانه مطرح شده است. استفاده از ارزش منصفانه، بی‌ثباتی بازار را با اعمال ارزیابی ناشی از فروش در شرایط بازار غیرعادی تشدید کرده است.
لاکس و لیو (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	بحران حسابداری ارزش منصفانه: درک بحث اخیر در گزارشگری مالی	بعد از بحران ۲۰۰۸ بانک‌ها انگشت اتهام را به سمت ارزش منصفانه گرفتند. نکته جالب اینکه پیشتر نیز که شرایط به نفع بانک‌ها و در جهت بالا بردن ارزش دارایی‌های آنها بود نیز بانک‌ها بارها به ارزش منصفانه اعتراض کرده بودند.
جگی (۲۰۱۰)	بررسی بازارها و سیاست‌های مالی حوزه اقیانوس آرام	آیا آینده ای برای حسابداری ارزش منصفانه پس از بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ وجود دارد؟	ارزش منصفانه یکی از عوامل اصلی در بحران‌های مالی و مسبب عدم ارائه اطلاعات مفید در خصوص ارزش دارایی‌ها به سرمایه‌گذاران بوده است. ارزش منصفانه مسئول ورشکستگی برخی از مؤسسه‌های مالی به دلیل کاهش ارزش دارایی‌ها است.

ادامه جدول ۹

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
لیائو و همکاران (۲۰۱۳)	مجله حسابداری و اقتصاد معاصر	عدم تقارن اطلاعاتی حسابداری ارزش منصفانه در طول بحران مالی	در بحران ۲۰۰۸ حسابداری ارزش منصفانه با نوسان‌های مصنوعی ایجاد شده در بازار سرمایه و ورشکستگی شرکت‌ها مرتبط دانسته شده است. این ادعا که ارزش منصفانه به شکل گسترده بر بحران‌های مالی اثرگذار است در قلب این روش اندازه‌گیری که توسط تئوری‌های نورماتیو معرفی شده قرار دارد.
مارکاریان (۲۰۱۴)	مجله مورخان حسابداری	بحران و ارزش‌های منصفانه: پژوهاک بحث‌های اوایل قرن بیستم؟	تغییرات در استراتژی بانک‌ها در دهه ۱۹۹۰ باعث شد عملکرد آنها بر مبنای ارزش منصفانه قابل اندازه‌گیری شود.
پالنا (۲۰۱۵)	مجله گزارشگری مالی و حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و سودمندی آن برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی	بسیاری از محققان بر این باورند که گزارشگری ارزش منصفانه باعث ایجاد یک حرکت رو به پایین در بازارهای مالی شده است که بحران اخیر را تشدید می‌کند.
ماجر کاکوا و اسکودا (۲۰۱۵)	مجله تحقیقات کاربردی حسابداری	ارزش منصفانه در صورت‌های مالی پس از بحران مالی	ارزش منصفانه، اثرهای بحران را از طریق افزایش اثر چرخه‌ای ذاتی سیستم مالی تشدید می‌کند. حسابداری ارزش منصفانه و وابستگی آن به توسعه موقعیت بازار می‌تواند باعث شود که در بازاری که یک رکود را تجربه کند، به دنبال بدتر شدن اوضاع مالی شرکت، رعب و وحشت ایجاد شود و آن بازار را به بروز یک بحران نزدیک‌تر کند.
مینکوچی و پائولوچی (۲۰۱۶)	مجله گزارشگری مالی و حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه و بحران مالی: تحلیلی مبتنی بر ادبیات	از آنجا که اکثر دارایی‌ها و بدهی‌ها به ارزش منصفانه نمایش داده می‌شوند، وقتی بازار به سمت عدم نقدینگی و عدم ثبات رفت ارزش‌های مخابره شده از ابزارهای مالی نیز دچار عدم ثبات شد.
یوسکینک و وریست (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه در مؤسسه‌های مالی	بانک‌ها ابتدا در مورد ایده ارزش گذاری منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌ها شک داشتند. دلیل اصلی نگرانی آن‌ها این بود که ممکن است نوسان‌های غیرضروری به صورت‌های مالی بانک وارد شود.
پائلا (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	ارزش برای سهام‌داران، مقررات مالی و حسابداری	بسیاری از سازمان‌ها و دانشمندان استدلال می‌کنند که حسابداری ارزش منصفانه به‌طور شایان توجهی به بحران بازار مالی که در سال ۲۰۰۸ در ایالات متحده آغاز شد، دامن زده است.
گیلیام و هافمن (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه یک مدیر آینده‌نگر	مؤسسه‌های مالی به‌طور معمول از قراردادهای مشتقه برای کاهش ریسک استفاده می‌کنند. اگر قرارداد مشتقه آزاد باشد، ارزش منصفانه گزارش شده و تغییرات در ارزش منصفانه به‌طور مستقیم در صورت سود و زیان ثبت می‌شود.

ادامه جدول ۹

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
لیونه و مارکاریان (۲۰۱۸)	ارزش منصفانه در حسابداری	ارزش برای ان، حسابداری ارزش منصفانه و جبران خسارت اجرایی	ارزش منصفانه به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا اهرم مالی خود را در زمان رونق افزایش دهند که برای سیستم مالی آسیب‌پذیری ایجاد می‌کند و بحران مالی را تشدید می‌کند. حسابداری ارزش منصفانه بر اندازه‌گیری هزینه‌های جبران خدمت کارمندان نیز تأثیر می‌گذارد، و احتمالاً این موضوع حتی بحث برانگیز بوده است. این امر به این دلیل است که به کارکنان، به ویژه مدیریت ارشد، به‌عنوان بخشی از بسته جبران کلی خود، سهام اعطا می‌شود.
هاسول و ایونز (۲۰۱۸)	مجله حسابداری، حسابرسی و پاسخ‌گویی	انرون، حسابداری ارزش منصفانه و بحران‌های مالی: تاریخچه مختصر	فروپاشی انرون آغاز سقوط بهمین بود. بسیاری از شرکت‌های بزرگ دیگر در اوایل دهه ۲۰۰۰ از بین رفتند. این شرکت‌ها شامل ورلدکام، کراسینگ گلوبال، تای کو، سان بیم، پارمالات، کوئست بودند. یک دیدگاه تحقیق بازار سرمایه وجود دارد که معتقد است ارقام حسابداری بازار را گول نمی‌زند. اینکه سال‌ها شرکت انرون و سایر شرکت‌ها گزارش‌های مالی مورد پذیرش تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران، مقامات و بازار ارائه میدادند، شکست آنها چالشی برای این دیدگاه محسوب می‌شود.

در پاسخ به سؤال ۷ (بحران‌های مالی و اثر ارزش منصفانه بر آنها) و مطابق تحقیقات خلاصه شده در این بخش، می‌توان بدین شرح جمع‌بندی کرد. مخالفان ارزش منصفانه آن را یکی از عوامل اصلی بحران می‌دانند. از نظر آنها استفاده از ارزش منصفانه، بی‌ثباتی بازار را با اعمال ارزیابی ناشی از فروش در شرایط بازار غیرعادی تشدید کرده است. در حالی که طرف‌داران، ارزش منصفانه را قربانی بحران مالی می‌دانند. آنها استدلال می‌کنند که مقصر دانستن ارزش منصفانه، «تیراندازی به قاصد» یا «رفتن به پزشک برای تشخیص و سپس سرزنش کردن او برای تشخیص بیماری» است.

از نظر مخالفان، اثر چرخه‌ای ارزش منصفانه به این شکل عمل می‌کند که اگر ارزش منصفانه نشان‌دهنده افت کلی در قیمت بازار دارایی‌ها باشد، در سرمایه بانک‌ها زیان انعکاس خواهد یافت. بانک‌ها برای حل این مشکل سود بانکی بیشتر و افزایش وام بانکی را پیشنهاد می‌دهند. اما قیمت‌های بازار بر مبنای ارزش منصفانه باز هم افت پیدا می‌کند. بانک‌ها برای جبران مشکل نقدینگی شروع به فروش دارایی‌های در رهن خود می‌کنند. همین امر باز قیمت‌ها را پایین می‌کشد. بنابراین ارزش منصفانه خود ایجادکننده بحران می‌شود. در خصوص اثر ارزش منصفانه بر طرح‌های جبران خدمت شایان ذکر است، کارکنان به‌خصوص مدیریت ارشد به‌عنوان بخشی از بسته جبران خدمت، سهام دریافت می‌کنند. ارزش منصفانه با جلو انداختن زمان شناسایی سود و زیان بر این طرح‌ها اثرگذار است.

ارزش منصفانه سطح سه (اغلب برآوردهای ارزش فعلی) به منظور ایجاد انگیزه و پاداش به مدیران برای منافع اقتصادی که برای سهام‌داران به دست آورده‌اند، استفاده کرده است. هر زمان فعالیت‌های انرون به اندازه‌ای که مدیران شرکت برای بازار پیش‌بینی کرده بودند سودآور نبود، این تجدید ارزیابی‌ها به سمت بالا برای متورم کردن درآمد خالص به طور فرصت طلبانه استفاده می‌شد. این امر مدیران را ترغیب کرد در دارایی‌هایی با ارزش منصفانه بالا که لزوماً خوب نبودند سرمایه‌گذاری کنند؛ اما برخلاف شیوه‌ای که حسابداری ارزش منصفانه باید مورد استفاده قرار گیرد، کاهش ارزش به ندرت به رسمیت شناخته و ثبت می‌شد؛ زیرا یا نادیده گرفته می‌شد یا فرض می‌شد موقتی باشد. این رویه‌ها را حسابرس شرکت، مؤسسه آرتور اندرسون قبول و احتمالاً طراحی می‌کرد.

جدول ۱۰. در پاسخ به سؤال ۷، نقدها و چالش‌های حسابداری ارزش منصفانه

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
مارتین و ریچ (۲۰۰۶)	چشم‌انداز حسابداری	حسابرسی اندازه‌گیری‌های ارزش منصفانه: ترکیبی از تحقیقات مرتبط	بسیاری از ارزیابی‌های ارزش منصفانه دارای تقریب، به جای معیارهای دقیق و شامل برآوردهای متعدد، طبقه بندی، قضاوت و تخصیص هستند. برخی ایرادات روان‌شناختی انسان در تصمیم‌گیری که به قضاوت‌های حسابداری ارزش منصفانه مرتبط می‌شود شامل قضاوت شهودی و آماری، اطمینان بیش از حد و میزان اطلاعات، سوگیری تأیید، استدلال انگیزشی و تأثیر تکرار است.
رونان (۲۰۰۸)	آباکس	حمایت از ارزش منصفانه یا منع ارزش منصفانه: دیدگاه گسترده‌تر	مسئولیت را بر گردن حسابرسان است. حسابرسان در شهادت‌دهی باید عینیت و بی‌طرفی داشته باشند. آنها باید ارائه‌های نادرست بالقوه را پیدا کنند و در صورتی که کار خود را به درستی انجام ندهند مشمول جریمه می‌شوند.
هامفری و همکاران (۲۰۰۹)	حسابداری، سازمان‌ها و جامعه	حرفه حسابرسی جهانی و معماری مالی بین‌المللی	به طور کلی مشکلات حسابرسان را در سه حوزه است: ارزش‌گذاری، بررسی تداوم فعالیت و گزارشگری و کیفیت حسابرسی.
اسمیت و همکاران (۲۰۱۲)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	فرسایش صلاحیت: حسابرسی در یک رژیم حسابداری ارزش بازار	حسابرسان موظف به برون‌سپاری یا استخدام ارزش‌گذارانی هستند که قوانین گسترده حوزه داده‌های حسابداری مالی را بدانند. علاوه بر این، دخالت قوانین قیمت‌گذاری به یک یا چند حساب محدود نمی‌شود و کل استانداردهای بین‌المللی را در برمی‌گیرد. ممکن است حسابرسان تخصص کافی در اظهارنظر در خصوص نحوه به‌کارگیری ارزش منصفانه را نداشته باشند و باید به شکل جدی امکان استفاده از ارزیاب متخصص را بررسی کنند.
اوکاموتو (۲۰۱۴)	انجمن حسابداری	حسابداری ارزش منصفانه از دیدگاه معرفت توزیع شده	اکثر حسابرسان در زمینه ارزشیابی، مهارت اندکی دارند. هیچ زمان احتمال خطا بودن پیش‌بینی‌های مدیریت در برآورد ارزش منصفانه از بین نمی‌رود. حسابرسان می‌توانند از نظر متخصصانی که خود شرکت استخدام می‌کند مثلاً ارزیابان استفاده کنند.

ادامه جدول ۱۰

نویسنده	مجله	مقاله	یافته‌ها
مارکاریان (۲۰۱۴)	مجله مورخان حسابداری	بحران و ارزش‌های منصفانه: پژواک بحث‌های اوایل قرن بیستم؟	مشکل حسابداری صورت‌های مالی به شکاف انتظاراتی از حسابرسان مربوط می‌شود. اشخاص ثالث از حسابرسان انتظار دارند تا گواهی دهند صورت‌های مالی به شکل درست و منصفانه ارائه شده باشد. با پذیرش ارزش منصفانه فرض‌ها و مدل‌هایی باید مورد پذیرش قرار گیرد که باعث می‌شود حسابرسان نسبت به چیزی که ریسک پنهان‌کاری بالایی دارد اعتباردهی کنند.
کوپر (۲۰۱۵)	دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری	حسابداری ساختگی: سهم مارکسیسم در درک نقش‌های حسابداری	چالش تضاد بین حسابرس و صاحب‌کار است. در حسابداری ارزش منصفانه حسابرسان با ادعاهای مدیریت در خصوص ارزش روبه‌رو هستند که به سادگی نمی‌توان حقیقی بودن آنها را تشخیص داد. بنابراین بحث‌های زیادی بین حسابرس و صاحب‌کار در خواهد گرفت.

و در نهایت در پاسخ به سؤال ۸ (نقدها و چالش‌های حسابداری ارزش منصفانه) و مطابق تحقیقات خلاصه شده در این بخش، می‌توان بدین شرح جمع‌بندی کرد. حسابداری ارزش منصفانه به دلیل وجود تقریب، برآوردهای متعدد، طبقه‌بندی، قضاوت و تخصیص مشکل است. حسابرسان برای بررسی پیچیدگی‌های ارزش منصفانه نیازمند آموزش مداوم هستند. همچنین حسابرسان مجبورند به کار ارزیابان در فرایند بررسی، اتکا کنند.

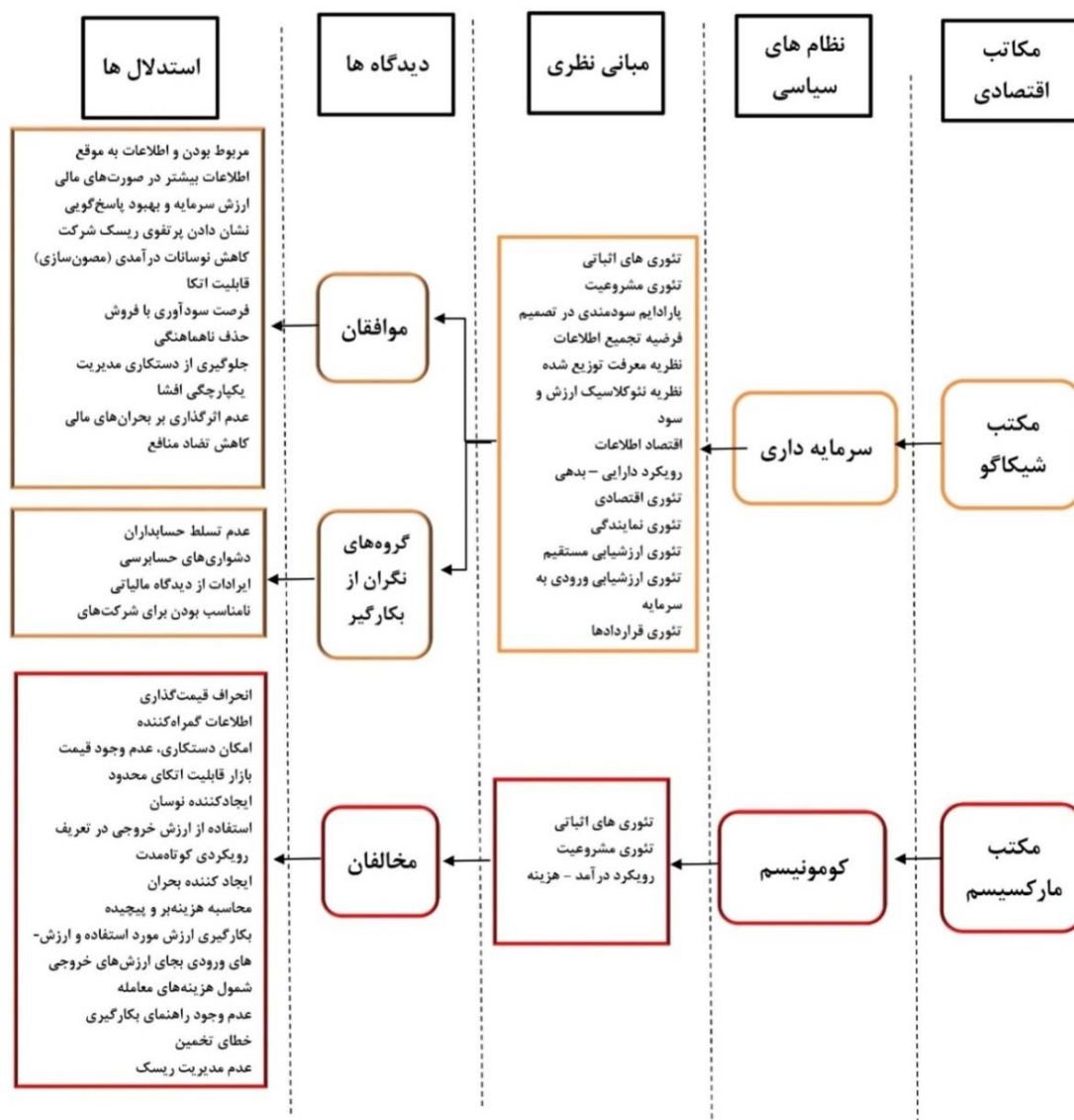
برخی ایرادها از منظر روان‌شناختی وجود دارد که حسابرس در بررسی ارزش منصفانه با آنها مواجه است. از جمله این ایرادها را می‌توان به قضاوت شهودی و آماری، اطمینان بیش از حد و میزان اطلاعات، سوگیری تأیید، استدلال انگیزشی و تأثیر تکرار اشاره کرد.

کنترل‌های داخلی مربوط به ارزیابی‌های ارزش منصفانه و نیز دیگر برآوردهای مربوط به صورت‌های مالی، به احتمال زیاد دشوارتر از کنترل‌های سنتی مبتنی بر تراکنش‌ها است. سرعت تجدید ارائه روش‌های ارزیابی ارزش منصفانه و برنامه‌های کاربردی، چالش‌هایی را برای به‌روزرسانی سیستم‌های کنترل ایجاد می‌کند. زمانی که دارایی‌ها به اقل بهای تمام شده و ارزش بازار یا ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود، این اندازه‌گیری‌ها بر فرضیات و پیش‌بینی‌های آینده تکیه می‌کند و ایجاد کنترل بر فرضیه‌های مشکل‌تر است. همچنین به احتمال زیاد، کنترل‌ها درباره ارزیابی‌های ارزش منصفانه به صورت مورد به مورد (به جای یک سیستم یکپارچه کنترلی) به کار گرفته می‌شود و این موردی بودن برای درک و بررسی به کار حسابداری بیشتری نیاز دارد.

از جمله اشکالات عملیاتی حسابداری ارزش منصفانه این است که استفاده از متخصصان ساده نیست؛ همیشه کار خود را با دقت انجام نمی‌دهند؛ فرضیه‌های‌شان دقیق نیست؛ مستندسازی کاملی انجام نمی‌دهند؛ کار آنها همواره توسط تیم حسابداری تأیید نمی‌شود. از طرفی، مؤسسه‌های کوچک حسابداری نمی‌توانند ارزیاب استخدام کنند. نکته مهم این است که کار متخصص، رفع مسئولیت حسابرس نیست؛ اما حسابرسان به متخصص، به چشم نوعی بیمه‌گر نگاه می‌کنند؛ زمان و هزینه حسابداری ارزش‌های منصفانه بیشتر است؛ در بررسی ارزش منصفانه تضاد بین حسابرس و صاحب‌کار

بیشتر می‌شود. مارکاریان (۲۰۱۴) معتقد است مشکل حسابرسی صورت‌های مالی به شکاف انتظاراتی از حساب‌برسان مربوط می‌شود.

با توجه به توضیحات فوق نتیجه‌گیری کلی تحقیق به شرح صفحه بعد ارائه می‌شود:



شکل ۱. نتیجه‌گیری پژوهش

نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد مکاتب، نظام‌های سیاسی و مبانی نظری شکل‌دهنده به دو جناح موافقان و مخالفان ارزش منصفانه شناسایی شود و در ادامه با رویکردی انتقادی، مزیت‌ها، انتقادات و چالش‌های ارزش منصفانه از دیدگاه گروه‌های مختلف تعیین شود. برای نیل به این هدف، ۴ سؤال اول تحقیق برای شناسایی مکاتب و نظام‌های سیاسی مرتبط به سیستم‌های ارزش‌گذاری طرح شده و ۴ سؤال بعدی برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به دیدگاه‌های مخالف و موافق

ارزش منصفانه طراحی شده است. در نهایت با جمع‌بندی تصویری فوق از مکاتب فکری به استدلال مختلف در خصوص ارزش منصفانه رسیدیم.

همان گونه که در نمایه نتیجه‌گیری مشخص است، دو مکتب فکری اقتصادی شیکاگو و کمونیزم، شکل‌گیری دو نظام سیاسی در دنیا را باعث شده است. مکتب شیکاگو مبنای نظام سیاسی سرمایه‌داری و مکتب مارکسیسم مبنای نظام سیاسی کمونیزم است. نظام‌های سیاسی فوق نیازمند مبانی نظری برای پذیرش عمومی بودند. برای نمونه برخی تئوری‌پردازان اثباتی مانند پیتون و لیتلتون (۱۹۴۰)، لیتلتون (۱۹۵۳) و ایجیری (۱۹۷۵)، مبانی نظری در جهت تأیید بهای تمام شده تاریخی ارائه دادند. در مقابل برخی تئوری‌پردازان اثباتی دیگر مثل مک نیل (۱۹۳۹) و چمبرز (۱۹۶۶) مبانی نظری در جهت تأیید ارزش منصفانه ارائه کردند. دیدگاه‌های مختلف در زمینه ارزش منصفانه به شرح زیر ناشی از این مکاتب فکری، نظام‌های سیاسی و مبانی نظری است.

نظرها در خصوص ارزش منصفانه به سه دسته تقسیم می‌شود. دسته‌ای که به شدت طرفدار آن هستند. گروهی که به شدت مخالف آن هستند و گروهی که به دلایلی نگرانی‌هایی از آن دارند. هر گروه استدلال‌های برای رد یا قبول ارزش منصفانه دارند. برای مثال، در خصوص بحث بحران‌های مالی، نظرات مختلفی وجود دارد. عده‌ای ارزش منصفانه را ایجاد کننده بحران می‌دانند و حتی به اثر چرخه‌ای آن بر اقتصاد در ایجاد بحران تأکید دارند. در مقابل عده‌ای دیگر نقش ارزش منصفانه را به‌عنوان «قاصد» می‌دانند و نقش آن در ایجاد بحران را رد می‌کنند.

بررسی چهار برهه فتودالی، رنسانس تا انقلاب صنعتی، اواخر انقلاب صنعتی و از دهه ۱۹۶۰ تاکنون نشان می‌دهد، حسابداری در طول زمان از واقعیت به سمت ترجیحات سرمایه‌داری تغییر جهت داده است. حسابداری برای رسیدن به شرایط کنونی از مراحل ایستای خالص، ایستای محافظه‌کارانه، حسابداری پویا و حسابداری آینده‌نگر عبور کرده است. انقلاب ارزش‌های جاری به پنج دلیل اتفاق افتاد: ۱. اعتماد بیشتر به بازار برای ارزش‌گذاری؛ ۲. ظهور اقتصادهای مالی که زمینه قانون‌گذاری مربوطه را فراهم کردند؛ ۳. گسترش ابزارهای مالی؛ ۴. تغییر ساختار صورت وضعیت مالی؛ ۵. کمبود حرفه‌ای‌گری لازم در خصوص ارزشیابی‌های پیچیده. با گسترش صندوق‌های بازنشستگی بازیگران جدید وارد بازار سرمایه شدند. ارزش منصفانه کمک مهمی به این گروه کرده است.

حرکت به سمت ارزش منصفانه در واقع یک تغییر در پارادایم شناخته می‌شود. یک پارادایم مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهایی است که توسط یک جامعه به اشتراک گذاشته می‌شود. پارادایم ارزش منصفانه بر پارادایم سودمندی در تصمیم‌گیری تکیه دارد. تئوری مشروعیت، تئوری معرفت توزیع شده، نظریه نئوکلاسیک ارزش و سود، اقتصاد اطلاعات، رویکرد دارایی - بدهی و مالی‌گرایی مبانی نظری پشتوانه ارزش منصفانه هستند.

جهانی‌شدن، نخستین و مهم‌ترین دلیل شکل‌گیری ارزش منصفانه است. تغییر در ترکیب دارایی‌های شرکت‌های تولیدی، به‌خصوص توجه به دارایی‌های مالی، اوراق بهادار و مشتقات مالی در آمریکا و چین، از ابتدای قرن ۲۱ باعث توجه بیشتر به ارزش منصفانه شد. سومین دلیل شکل‌گیری ارزش منصفانه معرفی آن به‌عنوان یک الگوی پولی مشترک است. دلیل چهارم این است که ارزش منصفانه کاتالیستی برای هماهنگ‌سازی حسابداری بین‌المللی است. دلیل پنجم بحران‌های مالی است که در برهه‌های زمانی مختلف به‌عنوان انگیزه برای بازنگری قوانین حسابداری حاکم بر ارزیابی دارایی‌ها به کار گرفته می‌شود.

تا به امروز در هیچ‌یک از نسخه‌های چارچوب نظری گزارشگری مالی به‌طور مستقیم به ارزش منصفانه اشاره نشده است. از نظر انجمن استانداردهای حسابداری مالی استفاده از پنج مبنای اندازه‌گیری بهای تاریخی، ارزش جایگزینی، ارزش بازار، خالص ارزش بازیافتنی و ارزش فعلی جریان‌های نقدی مجاز شمرده شده، هرچند هیچ‌یک اجباری نبوده است.

دلایل مختلفی توسط حامیان ارزش منصفانه در حمایت از این شیوه اندازه‌گیری عنوان شده است: ارزش منصفانه مربوط تر و به‌موقع تر است؛ قدرت اطلاع‌رسانی صورت وضعیت مالی با استفاده از ارزش منصفانه بیشتر می‌شود؛ اطلاعات ارزش منصفانه در خصوص ارزش اقتصادی دارایی صادقانه است. موضوع دیگر بحث بهبود پاسخ‌گویی است. ارزش‌های منصفانه، ابزار مدیریت ریسک است؛ اطلاعات ارائه‌شده از این رویکرد اندازه‌گیری قابلیت اتکای بالاتری از رویکردهای رقیب دارد؛ ارزش منصفانه باعث حذف ناهماهنگی در استانداردهای مالی می‌شود؛ امکان دست‌کاری و اعمال نظر مدیریت با استفاده از ارزش منصفانه کمتر می‌شود؛ ارزش منصفانه به بحران مالی دامن نزده است.

به عقیده مخالفان، ارزش منصفانه دلایل زیادی در مخالفت با این رویکرد اندازه‌گیری وجود دارد؛ ارزش منصفانه باعث انحراف قیمت‌گذاری می‌شود؛ اطلاعات استخراج شده از ارزش منصفانه گمراه‌کننده است؛ در به‌کارگیری ارزش منصفانه امکان دست‌کاری در ارزیابی دارایی‌ها و همچنین سودهای گزارش شده وجود دارد؛ در بازارهای غیرکارا ارزش منصفانه هم از نظر اندازه‌گیری و هم از نظر افشا ایراد دارد؛ استفاده از مدل‌هایی مثل CAPM برای ارزشیابی دارایی‌های سطح سه با ایرادهایی مواجه است. مسئله بعدی، عدم آمادگی حسابداران در به‌کارگیری ارزش منصفانه است. کسانی که نقش قاصد بحران را به ارزش منصفانه می‌دهند در پی کم‌رنگ کردن نقش آن در ایجاد بحران هستند. هزینه‌های مالیاتی در شرایط به‌کارگیری ارزش منصفانه افزایش می‌یابد.

در واقع انتخاب بین بهای تاریخی و ارزش منصفانه، به‌معنای قربانی کردن یکی از دو هدف اصلی صورت‌های مالی است. سیستم سنجش دوگانه راه‌حل این مشکل است. اطلاعات تهیه شده توسط هر دو شیوه، اطلاعات مفیدی به سرمایه‌گذاران ارائه می‌کند. ارزش منصفانه در خصوص مزایای مورد انتظار اطلاعات می‌دهد در حالی که بهای تاریخی برای نظارت و کنترل مفید است.

بین حامیان و مخالفان ارزش منصفانه در خصوص نقش آن در بحران‌های مالی اختلاف نظر وجود دارد. مخالفان ارزش منصفانه معتقدند، این شیوه ارزشیابی یکی از عوامل اصلی در بحران‌های مالی و مسبب عدم ارائه اطلاعات مفید از ارزش دارایی‌ها به سرمایه‌گذاران است. منتقدان معتقدند پدیده رکود بازار اعتباری، ناشی از مقررات حسابداری ارزش بازار است. به‌دلیل مقررات ارزش بازار در زمان بحران مالی، زبان‌های تحقق نیافته شناسایی شده و در نتیجه قابلیت مؤسسه‌های مالی برای اعطای وام آسیب می‌بیند.

از منظر روان‌شناسی، حساب‌سازان با نقدها و چالش‌هایی در حسابرسی ارزش منصفانه مواجه‌اند. قضاوت شهودی و آمار، اطمینان بیش از حد، سوگیری تأیید، عدم استقلال انگیزشی از جمله این ایرادهاست.

منابع

- پسندیده فرد، فائزه؛ وادی‌زاده، کاظم؛ سپاسی، سحر (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبانه و نادرست با استفاده از روش فراترکیب. *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۵ (۹)، ۳۰۱-۳۳۴.
- حجازی، رضوان؛ میهمی، شیدا (۱۳۹۵). بررسی دیدگاه‌های متفاوت در تأثیر پذیرش استاندارد حسابداری ارزش منصفانه بر سود حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۶ (۲۴)، ۱۲۷-۱۵۰.
- سلیمانی امیری، غلامرضا؛ محمودخانی، مهناز (۱۳۹۸). دیدگاه حسابرسان ایران در خصوص حسابرسی برآوردهای ارزش منصفانه. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶ (۲)، ۲۵۵-۲۷۸.
- کرمی، غلامرضا؛ بیگ بشرویه، سلمان (۱۳۹۶). تدوین مدل پیاده‌سازی نظام ارزش‌های منصفانه در ایران با تأکید بر اندازه‌گیری، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴ (۴)، ۵۷۳-۵۹۶.
- گل محمدی، مریم؛ رحمانی، علی (۱۳۹۷). شناسایی چالش‌های فنی به‌کارگیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی ایران: با تأکید بر الزامات IFRS ۱۳، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵ (۳)، ۳۸۷-۴۱۴.
- محمدی، رضا؛ دارابی، رؤیا؛ صراف، فاطمه (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر در کارایی کمیته‌های حسابرسی با استفاده از روش فراترکیب (متاستز). *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۹ (۳۴)، ۱۰۷-۱۲۶.
- مرادی، محمد؛ جعفری دره در، مرتضی؛ حسین‌زاده، سهراب (۱۳۹۸). چالش‌ها و فرصت‌های اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه در راستای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶ (۳)، ۴۵۶-۴۸۱.
- مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ طاهری، زهرا (۱۳۹۲). ارمغان تئوری‌های دستوری حسابداری، *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۲ (۶)، ۴-۱۹.

References

- Allen, F. & Carletti, E. (2008). Mark-to-market accounting and liquidity pricing. *Journal of Accounting and Economics*, 45, 358-378.
- Amelzadel, A. & Meeks, G. (2018). Measuring Fair Value When Markets Malfunction: The Routledge Companion to Fair Value in Accounting. Available at: SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2943314>
- Arnold, P. J. (2009). Global financial crisis: The challenge to accounting research, *Accounting, Organizations and Society*, 34, 803-809.
- Baker, C.R. & Hayes, R. (2004). Reflecting form over substance: the case of Enron Corp. *Critical Perspectives on Accounting*, 15, 767-785.
- Ball, A. & Haldane, A. (2018). *Crisis and fair values: Does the Usage of Fair Values Increase Systemic Risks?* The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Barlev, B. & Haddad, J.R. (2003). Fair Value Accounting and The Management of the Firm. *Critical Perspectives on Accounting*, 14, 383-415.

- Barlev, B. & Haddad, J.R. (2007). Harmonization, Comparability, and Fair Value Accounting. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, 22(3), 493-509.
- Barth, M. (2007). Standard-setting measurement issues and the relevance of research. *Accounting and Business Research, Special issue: International Accounting Policy Forum*, 7-15.
- Barth, M. E. & Landsman, W. (1995). Fundamental issues related to using fair value accounting for financial reporting. *Accounting Horizons*, 9 (4): 97-107.
- Barth, M.E. (2000). Valuation-based accounting research: Implications for financial reporting and opportunities for future research. *Accounting and Finance*, 40, 7 – 3.
- Benston, G. J. (2006). Fair-value accounting: A cautionary tale from Enron. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25, 465-484.
- Benston, G. J. (2008). The shortcomings of fair value accounting described in SFAS 157. *Journal of Accounting and Public Policy*, 27, 101-114.
- Beuselinck, C. & Verriest, A. (2018). Fair Value Accounting in Financial Institutions. *The Routledge Companion to Fair Value in Accounting*, 106-135.
- Bhat, G. & Ryan, S. G. (2015). The impact of risk modeling on the market perception of banks' estimated fair value gains and losses for financial instruments. *Accounting, Organizations, and Society*, 46, 81-95.
- Blaufus, K. & Jacob, M. (2018). *Forthcoming in: The Routledge Companion to Fair Value in Accounting and Reporting*. Edited by: Livne, Gilad and Garen Markarian. London: Routledge. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3036857>.
- Bryer, R. A. (2005). A Marxist accounting history of the British Industrial Revolution: a review of the evidence and suggestions for research. *Account Organ Soc*, 30, 25-65.
- Campbell, J., Adduzio, J. & Duchac, J. (2018). *The Use of Fair Value Accounting in Risk Management in Non-Financial Firms*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Chen, J. & Yu, Y. (2018). *Fair Value Accounting China Experience*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Cooper, C. (2015). Accounting for the fictitious: A Marxist contribution to understanding accounting's roles in the financial crisis. *Critical Perspectives on Accounting*, 30, 63-82.
- Cristea, V. (2015). The Necessity to Introduce the Accounting Rules and Fair Value in The Conceptual Framework. *Procedia Economics and Finance*, 26, 515-521.
- Durochera, S. & Gendronb, Y. (2014). Epistemic commitment and cognitive disunity toward fair-value accounting. *Accounting and Business Research*, 630-655.
- Flegm, E. H. (2005). On solving the problem, not being it. *The CPA Journal*, 75 (2), 12-14.
- Georgiou, O. & Jack, L. (2011). In pursuit of legitimacy: A history behind fair value accounting. *The British Accounting Review*, 43(4), 311-323.
- Gilliam, T.A. & Hofmann, R. (2018). *Bank Risk Management and Fair Value Accounting*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.

- Golmohammadi, M. & Rahmani, A. (2018). Technical Challenges of Implementing Fair Values in Financial Reporting of Iran: Emphasizing on IFRS13 Requirements. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25(3), 387-414. (in Persian)
- Gwilliam, D. & Jackson, R. (2008). Fair value in financial reporting: Problems and pitfalls in practice A case study analysis of the use of fair valuation at Enron. *Accounting Forum*, 32, 240–259.
- Haswell, S. & Evans, E. (2018). Enron, fair value accounting, and financial crises: a concise history. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 31(1), 25-50.
- Hayoun, S. (2019). How fair value is both market-based and entity-specific: The irreducibility of value constellations to market prices. *Accounting, Organizations and Society*, 73, 68-82.
- Heaton, J.C., Lucas, D. & McDonald, R.L. (2010). Is mark-to-market accounting destabilizing? Analysis and implications for policy. *Journal of Monetary Economics*, 57, 64–75.
- Hejazi, R. & Meyhami, S. (2017). Survey adoption of fair value accounting standards and its impact on accounting profit. *Empirical Research in Accounting*, 7(2), 127-150. (in Persian)
- Hilton, A. & O'brien, P. (2009). Inco Ltd.: Market Value, Fair Value, and Management Discretion. *Journal of Accounting Research*, 47(1), 179-211.
- Hitz, J.M. (2007). The Decision Usefulness of Fair Value Accounting – A Theoretical Perspective. *European Accounting Review*, 16(2), 323–362.
- Holthausen, R. W. & Watts, R. L. (2001). The relevance of the value-relevance literature for financial accounting standard setting. *Journal of Accounting and Economics*, 31 (1-3), 3-75.
- Hopwood, A.G. (2009). The economic crisis and accounting: Implications for the research community. *Accounting, Organizations and Society*, 34, 797–802.
- Humphrey, C., Loft, A. & Woods, M. (2009). The global audit profession and the international financial architecture: Understanding regulatory relationships at a time of financial crisis. *Accounting, Organizations and Society*, 34, 810–825.
- Ishikawa, J. (2005). A social science of contemporary value-based accounting: economic foundations of accounting for financial instruments. *Critical Perspectives on Accounting*, 16, 115–136.
- Jaggi, B. (2010). Is There a Future for Fair Value Accounting After the 2008–2009 Financial Crisis? *Review of Pacific Basin Financial Markets and Policies*, 13(3), 469–493.
- Karami, G. & Beik Boshrouyeh, S. (2017). Developing a Model for Implementing the Fair Value Approach in Iran: With Emphasis on Measurement. *Accounting and Auditing Review*, 24(4), 573-596. (in Persian)
- Kolev, K. (2018). *The 'Fairness' of Fair Value Accounting*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Kothari, S.P. & Ramanna, K., Skinner, D.J. (2010). Implications for GAAP from an analysis of positive research in accounting. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2–3), 246-286.

- Laux, C. & Leuz, C. (2009). The crisis of fair-value accounting: Making sense of the recent debate. *Accounting, Organizations and Society*, 34, 826–834.
- Lennard, A. (2018). *Fair Value and the Conceptual Framework*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Liao, L., Kang, H., Morris, R. D. & Tang, Q. (2013). Information asymmetry of fair value accounting during the financial crisis. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 9(2), 221–236.
- Livne, G. & Markarian, G. (2018). *Shareholder Value, Fair Value Accounting and Executive Compensation*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Magnan, M. & Parbonetti, A. (2018). *Fair Value Accounting a Standard Setting Prospect*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Magnan, M.L. (2009). Fair Value Accounting and the Financial Crisis: Messenger or Contributor? *Accounting Prospect*, 8(3), 189–213.
- Majercakova, D. & Skoda, M. (2015). Fair value in financial statements after financial crisis. *Journal of Applied Accounting Research*, 16(3), 312-332.
- Mantzari, E. & Georgiou, O. (2019). Ideological Hegemony and Consent to IFRS: Insights from Practitioners in Greece. *Critical Perspective on Accounting*, 59, 70-93.
- Markarian, G. (2014). Crisis and fair values: Echoes of early twentieth century debates? *Accounting Historians Journal*, 41(1), 35–60.
- Martin, R.D. & Rich, J. (2006). Auditing Fair Value Measurements: A Synthesis of Relevant Research. *Accounting Horizons*, 20(3), 287–303.
- Mazzola, P. & Buglio, M. (2018). *Fair Value Accounting and Family Firms*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- McCarthy, P. D. (2004). Unnecessary complexity in accounting principles. *The CPA Journal*, 74 (3), 18-19.
- McDonough, R. P. & Shakespeare, C. M. (2015). Fair value measurement capabilities, disclosure, and the perceived reliability of fair value estimates: A discussion of Bhat and Ryan (2015). *Accounting, Organizations and Society*, 46, 96-99.
- McSweeney, B. (2009). The roles of financial asset market failure denial and the economic crisis: Reflections on accounting and financial theories and practices. *Accounting, Organizations and Society*, 34, 835–848.
- Mehrani, S., Karami, G. & Taheri, Z. (2020). The Souvenir of Normative Accounting Theories *Journal of Accounting and Accounting Studies*, 2(6), 4-19. (in Persian)
- Menicucci, E. & Paolucci, G. (2016). Fair Value Accounting and the Financial Crisis: A Literature-based Analysis. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 14(1).
- Milburn, J.A. (2008). The Relationship between Fair Value, Market Value, and Efficient Markets. *Accounting Prospectives*, 7(4), 293-316.

- Mohammadi, R., Darabi, R. & Sarraf, F. (2020). Investigating the Factors Affecting the Performance of Audit Committees Using the Meta-Synthesis Method. *Knowledge of Accounting and Management Auditing*, 9(34), 107-126. (in Persian)
- Moradi, M., Jafari Daredor, M., & Hosseinzadeh, S. (2019). Challenges and Opportunities for Measuring Fair Value, in International Financial Reporting Standards Adoption in Iran. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(3), 456-481. (in Persian)
- Muller, J. (2014). An accounting revolution? The financialisation of standard setting. *Critical Perspectives on Accounting*, 25, 539-557.
- Okamoto, N. (2014). Fair value accounting from a distributed cognition perspective. *Accounting Forum*, 38, 170-183.
- Omiros, G. & Jack, L. (2011). In pursuit of legitimacy: A history behind fair value accounting. *The British Accounting Review*, 43(4), 311-323.
- Palea, V. (2014). Fair value accounting and its usefulness to financial statement users. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 12(2), 102-116.
- Palea, V. (2015). The political economy of fair value reporting and the governance of the standards setting process: Critical issues and pitfalls from a continental European union perspective. *Critical Perspective on Accounting*, 29, 1-15.
- Palea, V. (2018). *Shareholder Value, Financialization and Accounting Regulation*. The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Palma, J.G. (2009). The revenge of the market on the rentiers. Why neo-liberal reports of the end of history turned out to be premature. *Cambridge Journal of Economics*, 33(4), 829-869.
- Pasandideh Fard, F., Vadizadeh, K. & Sepasi S. (2020). Applying a Meta-Synthesis Qualitative Approach to Identify and Investigate Factors Affecting Financial Reporting Bias. *journal of Value & Behavioral Accounting*, 5 (9), 301-334. (in Persian)
- Peasnell, K. (2018). *Have the Standard Setters Gone Too Far or Not Far Enough with Fair Value Accounting?* The Routledge Companion to Fair Value in Accounting.
- Penman, S.H. (2007). Financial reporting quality: is fair value a plus or a minus? *Accounting and Business Research*, 37(1), 33-44.
- Plantin, G., Sapra, H. & Song Shin, H. (2008). Marking-to-Market: Panacea or Pandora's Box? *Journal of Accounting Research*, 46(2).
- Power, M. (2010). Fair value accounting, financial economics and the transformation of reliability. *Accounting and Business Research*, 40(3), 197-210.
- Rayman, R.A. (2007). Fair value accounting and the present value fallacy: The need for an alternative conceptual framework. *The British Accounting Review*, 39, 211-225.
- Richard, J. (2004). The Secret Past of Fair Value: Lessons from History Applied to the French Case. *Accounting in Europe*, 1(1), 95-107.

- Richard, J. (2005). The concept of fair value in French and German accounting regulations from 1673 to 1914 and its consequences for the interpretation of the stages of development of capitalist accounting. *Critical Perspective on Accounting*, 16, 825-850.
- Richard, J. (2015). The Dangerous Dynamics of Modern Capitalism (from static to IFRS' Futuristic Accounting). *Critical Accounting Perspective*, 30, 9-34.
- Roberts, J. & Jones, M. (2009). Accounting for self interest in the credit crisis, *Accounting, Organizations and Society*, 34, 856–867.
- Ronan, J. (2008). To Fair Value or Not to Fair Value: A Broader Perspective. *Abacus*, 44(2), 181-208.
- Smith, J., Durocher, S. & Gendron, Y. (2012). The erosion of jurisdiction: Auditing in a market value accounting regime. *Critical Perspective on Accounting*, 23(1), 36-53.
- Soleymani Amiri, Gh. & Mahmoudkhani, M. (2019). Iranian Auditors Perspectives about Auditing of Fair Value Estimates. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(2), 255- 278. (in Persian)
- Sunder, S. (2008). Econometrics of fair values. *Accounting Horizons*, 22(1), 111–125.
- Uzma, S.H. (2017). Meta-synthesis of fair value accounting effects. *International Journal of Critical Accounting*, 9(2), 119-139.
- Walker, M. (2010). Accounting for varieties of capitalism: The case against a single set of global accounting standards. *The British Accounting Review*, 42, 137-152.
- Whittington, G. (2018). Fair Value and the IASB, FASB Conceptual Framework Project: An Alternative View. *Abacus*, 44(2), 139-138.
- Zeff, S.A. (2007). The SEC rules historic cost accounting: 1934 to the 1970s. *Accounting and Business Research, Special Issue: International Accounting Policy Forum*, 37(1), 48–62.
- Zhang, E. & Andrew, J. (2014). Financialisation and the Conceptual Framework. *Critical Perspectives on Accounting*, 25(1), 17-26.
- Zhang, E. & Andrew, J. (2016). Rethinking China: Discourse, convergence and fair value accounting. *Critical Perspectives on Accounting* 36, 1-22.
- Zhang, Y., Andrew, J. & Rudkin, K. (2012). Accounting as an instrument of Neoliberalisation? Exploring the adoption of fair value accounting in China. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 25 (8), 1-29.